



فساد در اردو

رییس‌جمهور غنی دیروز از فساد در اردو و نیروهای امنیتی یاد کرد و از شفاف‌سازی قراردادهای و تدارکات در وزارت دفاع ملی خبر داد. فساد گسترده در نهادهای امنیتی از جمله در اردو واقعیت تلخی است که نمی‌شود از آن انکار کرد. مشکل فساد در اردوی ملی، صرف با شفاف‌سازی در قراردادهای و تدارکات از بین نمی‌رود. این اقدامات البته که لازم است، اما کافی نیست. رهبران و بلندپایه‌گان دولت از جمله رییس‌جمهور، باید به نکاتی دیگری هم توجه کنند.

نباید این واقعیت تلخ فراموش شود که از غذا و میوه‌ی سرباز هم دزدی می‌کنند. وزارت دفاع مقداری وجه نقد در اختیار فرماندهان قطعات قرار می‌دهد تا آنان این پول را صرف خرید گوشت و میوه برای سربازان کنند، اما در برخی از موارد، این پول حیف‌ومیل می‌شود. لازم است که به این موضوع رسیدگی شود. مشکل دیگر این است که گلوله‌ی سرباز هم به جایی که به دشمن شلیک شود، به دلان فروخته می‌شود. دلان گلوله‌ها را به طالبان می‌فروشند. به بیان دیگر، گلوله‌ی سرباز، به دشمنش فروخته می‌شود.

این موضوع را بارها رسانه‌های خارجی افشا کرده‌اند. ساحات پایگاهی طالبان در شمال، مثل جزیره‌های محاصره‌شده است و هیچ امکان ندارد که طالبان از جای دیگر به آن جا اسلحه و مهمات ببرند. اسلحه و مهمات از مناطق زیر کنترل دولت به این جزیره‌ها می‌رود. اگر فساد در نیروهای امنیتی نباشد، جزیره‌های پایگاهی طالبان در شمال، از فعالیت می‌ماند. به این موضوع باید توجه جدی شود.

ضعف رهبری و مدیریت هم مشکل دیگر در اردو است. آدم‌های ناتوانی که در سمت‌های مهم قرار گرفته‌اند، آرمانی غیر از فساد و زراندوزی نامشروع ندارند. کسانی که بنا بر ملاحظات قومی و سیاسی در سمت‌های مهم در وزارت دفاع تکیه زده‌اند و کفایت لازم هم ندارند، فساد را فریب کرده‌اند. این وضعیت باید از بین برود. هیچ کس مشکلی ندارد که وزارت دفاع یا هر جای دیگر، بازتاب خصلت چندفرهنگی ملت افغانستان باشد. اما عزل و نصب‌ها نباید سیاسی باشد. هیچ رهبر سیاسی یا قومی نباید نقشی در عزل و نصب‌ها نداشته باشد. هیچ ملاحظه‌ی قومی هم نباید مطرح باشد. شایستگی باید معیار باشد. وقتی شایستگی و تعهد معیار باشد، جا برای آدم‌های بی‌آرمان باقی نمی‌ماند.

راه دیگر اصلاحات هم این است که به جوانانی در صفوف اردو و پولیس توجه شود. جوانان تحصیل کرده و توانایی که در صفوف نیروهای امنیتی هستند، باید ارتقا کنند و در سمت‌های رهبری قرار بگیرند. جوان‌گرایی منطقی باید محور اصلی سیاست کدوری وزارت دفاع و دیگر ارگان‌های امنیتی باشد. نباید کسانی که دهه‌ها است جنرال هستند، هم‌چنان در سمت‌های‌شان باقی بمانند و هیچ جوانی ارتقا نکند.

راه ریشه‌ای مبارزه با فساد مالی و اداری در وزارت دفاع هم این است که نظام عزل و نصب و ارتقا و ترفیع در آن وزارت، مدرن شود. این وزارت می‌تواند از تجربه کشورهای عضو ناتو استفاده کند. از آن جایی که ناتو حضور مستشاری و کمکی در افغانستان دارد، فرصت بی‌ظنیری در اختیار رهبران دولت افغانستان قرار دارد، تا تمامی نهادها از جمله نیروهای مسلح را اصلاح کنند. مدرن‌سازی سیستم عزل و نصب و ترفیع و بازنشستگی، سبب می‌شود که فساد مالی و اداری هم به حداقل برسد.

نیروهای امنیتی، افتخار مردم افغانستان‌اند. هر شهروند افغانستان به اردوی ملی فخر می‌کند. این نیروها با تقدیم قربانی‌های فراوان، مانع سقوط شهرها و مناطق استراتژیک افغانستان می‌شوند. اما به رغم این قهرمانی‌ها، مشکلاتی در نیروهای امنیتی است و در بالا به آن اشاره شد، باید اصلاح شود.

۸صبح، کابل: مسوولان پولیس کندز از پیوستن یک فرمانده ۸ نفری طالبان به پروسه‌ی صلح خبر می‌دهند.

جنرال عبدالحمید حمیدی، فرمانده پولیس کندز می‌گوید که این فرمانده، عبدالشیر نام داشته و به «مشر» مشهور است. آقای حمیدی می‌گوید که «مشر» و هشت تن از افرادش با سلاح و تجهیزات دست‌داشته‌شان به پروسه صلح پیوسته‌اند.

جنرال حمیدی می‌گوید: «این ۹ تن از افراد گروه طالبان، به اثر تلاش‌های پولیس کندز دست از جنگ و خشونت کشیده‌اند.»

فرمانده پولیس کندز گفت: «این افراد پیش از این در مناطق نزدیک به شاهراه عمومی کندز - ولسوالی خان‌آباد در صفوف

یک فرمانده طالبان و ۸ تن از افرادش

در کندز به پولیس پیوستند



طالبان فعالیت‌های ضدولتی داشتند و چندین بار بر پوسته‌های امنیتی آن مسیر نیز حمله کرده بودند که بعد از درک حقایق، با ۵ میل سلاح کلاشینکوف ۱ پایه راکت‌انداز، ۲ قبضه تفنگچه و ۱ پایه مخابره دست‌داشته‌شان به پولیس

رییس‌جمهور غنی:

رفسنجانی در مسایل منطقه تاثیر گذار بود



۸صبح، کابل: اشرف غنی رییس‌جمهور افغانستان، در پیامی به مناسبت درگذشت علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس‌جمهور پیشین ایران، ابراز تاسف کرده می‌گوید که آقای رفسنجانی در مسایل منطقه‌ای تاثیر گذاری بود.

آقای غنی با ابراز تسلیت به آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر، حسن روحانی رییس‌جمهور، اعضای خانواده رفسنجانی و شهروندان ایران گفته است: «مرحوم علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در جریان زعامتش من حیث رییس‌جمهور ایران و هم‌چنان در وظایف مختلف دیگر، در مسایل منطقه یک شخصیت تاثیر گذار بود و در قلوب طرفداران خویش محبوبیت داشت.»

عبدالله عبدالله رییس‌اجرائی کشور نیز، در پیامی از هاشمی رفسنجانی به عنوان یک چهره تاثیرگذار در به ثمر رساندن انقلاب ایران، مدیریت

تحوالات سیاسی و اجتماعی نوین آن کشور یاد کرده می‌گوید که او از لحاظ علمی و فکری نیز یکی از شخصیت‌های مهم به شمار می‌رفت. هاشمی رفسنجانی بعد از ظهر روز یکشنبه به دلیل سکت قلبی در سن هشتاد و دو سالگی درگذشت. قرار است مراسم تشییع جنازه وی در روز شنبه برگزار شود. دولت ایران سه روز عزای عمومی در این کشور اعلام کرده است.

عبدالله عبدالله درگذشت هاشمی رفسنجانی را برای ایران ضایعه «جبران ناپذیر» توصیف کرده است. پی‌گیری تصامیم و موضوعاتی که در سفر اخیر وزیر خارجه این کشور به پاکستان و افغانستان مطرح گردیده بود به ریاست اجرایی آمده بودند. در این نشست روابط دوجانبه میان افغانستان و بریتانیا و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی افغانستان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

قتل پنج طالب و تخریب یک

فابریکه ماین‌سازی

۸صبح، کابل: در نتیجه عملیات‌های مشترک نیروهای امنیتی کشور، پنج طالب کشته و یک فابریکه ماین‌سازی مربوط به این گروه تخریب شده است.

به گفته وزارت دفاع، این عملیات‌ها که به منظور سرکوب طالبان توسط نیروهای هوایی و زمینی در ولایت‌های ننگرهار، کاپیسا، لغمان، لوگر، پکتیا، پکتیکا، غزنی، ارزگان، زابل، هرات، نیمروز، سرپل، کندز، تخار، بدخشان، بلخ، بغلان، جوزجان و هلمند راه‌اندازی شده بود، در آن چهار طالب دیگر زخمی شده‌اند.

وزارت دفاع می‌افزاید که در جریان عملیاتی در ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز یک فابریکه ساخت ماین مربوط به طالبان نیز تخریب شده است. این وزارت می‌گوید که در این عملیات ۱۱۰ حلقه ماین و ده فیر مرمی میزایل نیز کشف و خنثا شده است.

دیدار و گفتگوی سفیر بریتانیا

در پاکستان با رهبران حکومت

وحدت ملی در کابل

۸صبح، کابل: تام دریو سفیر بریتانیا در اسلام‌آباد، در سفری به کابل با رهبران حکومت وحدت ملی دیدار و گفتگو کرده است.

سفارت بریتانیا در کابل، با اعلام این خبر می‌گوید که تام دریو با مقام‌های حکومت وحدت ملی در باره‌های همکاری‌های بریتانیا با افغانستان و پاکستان و هم‌چنین «بعضی کارهای مهم» که دولت افغانستان به منظور تحکیم روابط دوجانبه با پاکستان در حال حاضر انجام می‌دهد، گفتگو داشته است.

هم‌چنین دفتر مطبوعاتی ریاست اجرایی کشور نیز از دیدار عبدالله عبدالله با سفیر بریتانیا در اسلام‌آباد، در دفتر کارش خبر داده است. در این دیدارها دومینیک جیرمی سفیر بریتانیا در کابل نیز حضور داشته است. دفتر ریاست اجرایی کشور در اعلامیه‌ای گفته است: «نمایندگان بریتانیا برای پی‌گیری تصامیم و موضوعاتی که در سفر اخیر وزیر خارجه این کشور به پاکستان و افغانستان مطرح گردیده بود به ریاست اجرایی آمده بودند. در این نشست روابط دوجانبه میان افغانستان و بریتانیا و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی افغانستان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.»

جزئیات بیشتری در باره این دیدارها ارایه نشده است.

واکنش‌ها به ممنوعیت فروش

مرگ موش در غور

تصمیم مقام‌های محلی در ولایت غور به ممنوعیت فروش مرگ موش به هدف جلوگیری از خودکشی زنان انتقادهای زیادی را برانگیخته است. برخی‌ها این تصمیم مسوولان محلی را توهین به زنان خوانده‌اند. ناصر خاضع، والی ولایت غور به شهرداری و ادارات دیگر دستور داده تا به دکانداران و فروشندگان ابلاغ کنند که از فروش مرگ موش تا اطلاع ثانوی خودداری کنند.

به گزارش دویچه‌وله، عبدالحی خطیبی، سخنگوی والی غور گفته که در جلسه اداری ولایت تصمیم گرفته شد که برای جلوگیری از خشونت علیه زنان فروش مرگ موش در بازار به صورت موقت ممنوع شود.

خطیبی گفته که در این جلسه روی عوامل خشونت بر زنان بحث و گفته شد که یکی از ساده‌ترین راه‌ها برای خودکشی زنان در این ولایت خوردن مرگ موش است.

اما بهار صدف، فعال حقوق زن این تصمیم مقام‌های محلی را توهینی به زنان خوانده می‌گوید: «این که یک خانم با خوردن مرگ موش جان خود را گرفته است، نباید باعث شود که یک قشر بزرگ جامعه در سطح ولایت مورد توهین قرار بگیرد. والی غور باید این تصمیم مسخره را رد کرده و از زنان بخشش بخواهد.»

محمدگل پویا، آگاه امور در ولایت غور، نیز این برنامه حکومت محلی را غیرعملی و نادرست می‌خواند. به گفته او، برعلاوه مرگ موش ادویه و مواد زهری دیگری نیز وجود دارند که انسان می‌تواند با خوردن آن به حیات خود پایان ببخشد. او می‌گوید حکومت محلی باید از این تصمیم صرف‌نظر کرده و از زنان معذرت بخواهد.

اعزام دوصد سرباز ناتو

به همراه



مقام‌های امنیتی گفته‌اند که حدود ۲۰۰ سرباز ناتو که اکثر آن‌ها ایتالیایی هستند، به ولایت نامن فراه اعزام شده‌اند. در چند ماه اخیر گروه طالبان چندین بار تلاش کرد که مرکز این ولایت را به تصرف خود درآورد.

خبر اعزام سربازان ناتو به ولایت فراه زمانی اعلام می‌شود که پناگون یا وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا اخیراً خبر استقرار ۳۰۰ نیروی دریایی در بهار پیش‌رو در ولایت هلمند را اعلام کرد. سربازان نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۴ ولایت هلمند را ترک کرده بودند.

مقام‌های ناتو گفته‌اند که این سربازان به صورت عمده مصروف آموزش و مشورت‌دهی به نیروهای امنیتی افغانستان خواهند بود، اما استقرار این نیروها در هلمند و فراه نشان می‌دهد که نیروهای آمریکایی و ناتو بار دیگر در این منازعه رو به وخامت کشانده می‌شوند. به نقل از دویچه‌وله، ناتو در اعلامیه‌ای گفته است: «جنرال جان نیکلسون (فرمانده نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان) به درخواست

والی ولایت فراه فرستادن ۲۰۰ عضو نیروهای ایتلاف را برای حمایت از نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان منظور کرده است.»

در این اعلامیه ناتو آمده است: «آن‌ها مامور آموزش، مشورت‌دهی و حمایتی خود را برای تقریباً یک هفته در محل انجام خواهند داد.» سخنگوی ولایت فراه نیز اعزام ۲۰۰ سرباز ناتو را تایید کرده می‌گوید این سربازان که اکثر شان ایتالیایی‌اند، روز جمعه به شهر فراه رسیدند. سال گذشته میلادی جنگجویان طالبان تلاش کردند که مراکز چندین ولایت را از کندز و بغلان در شمال گرفته تا هلمند در جنوب و فراه در غرب افغانستان تصرف کنند.

رییس جمهور:

فساد اداری باعث افزایش تلفات نیروهای امنیتی می شود

● ظفر شاه رویی



شوم بنگرید، گورستان تان خواهد شد.» در همین حال، عبدالله حبیبی وزیر دفاع، می گوید که این وزارت توانسته است در برخی از زمینها برای فراهم کردن زمینه تحصیل و دسترسی به سرپناه، به شماری از بازماندگان شهدای نیروهای دفاعی کمک کند. وزیر دفاع از مساعد کردن زمینه تحصیل برای هشتادوپنج تن از بازماندگان شهدا و زخمیان نیروهای امنیتی در یکی از دانشگاههای خصوصی داخلی، اعزام ۲۴۰ تن از وارثان شهدای امنیتی برای ادامه تحصیل به هندوستان و توزیع نمرات رهایی برای خانوادههای این شهیدان را از جمله اقدامات این وزارت نام برد. وی همچنین گفت که به خانواده شهدا و زخمیان نیروهای امنیتی دفترچههای صحتی توزیع شده و بیماران این خانوادهها می توانند در مراکز صحتی مربوط به اردوی ملی تحت تداوی قرار بگیرند. او تاکید کرد که وزارت دفاع به مناسبتهای مختلفی نیز از خانوادههای قربانیان نیروهای امنیتی کشور واریسی می کنند. وزارت دفاع گفت: «برای ۱۴۵ تن از ورثه شهدا و معلولین اردوی ملی در پروژه منظور شده سال ۱۳۹۰ زمین توزیع شده و به تعداد ۲۵۶۵ نمره زمین رهایی در ولایت های مختلف برای وارثین شهدا و معلولین توزیع گردیده و همچنین به هزار افغانی از بودجه وزارت دفاع ملی بعد از دریافت اطمینان از دفترهای شهرداریهای ولایات توزیع شده تا نمرات رهایی شان را اعمار کنند و این روند ادامه دارد.»

به مثابه قسط اول این برنامه بزرگ است.» اشرف غنی از قربانیان نیروهای امنیتی کشور ابراز قدردانی کرده افزود که دشمنان مردم با محاسبه های «غلط» خود، افغانستان را به گورستان خود مبدل خواهند ساخت. رییس جمهور با بیان این که پیامش به مخالفان مسلح دولت واضح است، گفت: «دو سال پیش محاسبه غلط کردید و سال قبل نیز محاسبه نادرست نمودید، محاسبه غلط تان را تکرار نکنید، اگر به این خاک به هدف

تاکید کرده گفته برای دسترسی این نیروها به «بهترین ادویه» قانون تدارکات تغییر کرده است. او افزود که در زمینه تهیه سرپناه به بازماندگان قربانیان نیروهای امنیتی و دفاعی نیز توجه ویژه خواهد شد. رییس جمهور گفت: «این تعهد من است که در برنامه خانه سازی سه سال آینده خانواده های شهدای قوای دفاعی و امنیتی ما در اولویت قرار بدهیم. اول شما بعد تمام ملکی ها. این چهارده باب آپارتمان که امروز به مستحقین سپرده شد،

رییس جمهور همچنین به رسیدگی به بازماندگان و زخمیان نیروهای امنیتی کشور تاکید کرده گفته برای دسترسی این نیروها به «بهترین ادویه» قانون تدارکات تغییر کرده است.

تاکید کرده گفته برای دسترسی این نیروها به «بهترین ادویه» قانون تدارکات تغییر کرده است. او افزود که در زمینه تهیه سرپناه به بازماندگان قربانیان نیروهای امنیتی و دفاعی نیز توجه ویژه خواهد شد. رییس جمهور گفت: «این تعهد من است که در برنامه خانه سازی سه سال آینده خانواده های شهدای قوای دفاعی و امنیتی ما در اولویت قرار بدهیم. اول شما بعد تمام ملکی ها. این چهارده باب آپارتمان که امروز به مستحقین سپرده شد،

اشرف غنی رییس جمهور کشور، می گوید که وجود فساد اداری در روند تجهیز و اکمالات نیروهای امنیتی منجر به افزایش میزان تلفات این نیروها می شود. آقای غنی که روز دوشنبه، ۲۰ جدی، در مراسم اهدای کلید چهارده باب آپارتمان به بازماندگان شماری از قربانیان نیروهای دفاعی کشور در مقر وزارت دفاع صحبت می کرد، گفت که او برای کاهش میزان فساد اداری نزدیک به هفتصد تن از کارمندان بخش تدارکاتی وزارت دفاع را که بیش از سه سال در این بخش کار کرده اند، تغییر داده و تبدیل کرده است. رییس جمهور می گوید که تغییرات این افراد و تغییر قانون تدارکات می تواند در کاهش تلفات نیروهای امنیتی کشور کمک کند. وی گفت: «در کمیسیون تدارکات وزارت دفاع من شخصا توجه خاص کردم و در وزارت دفاع در طول شش ماه گذشته هفتصد نفر که از سه سال بیشتر کار کرده تبدیل شده اند. کارهای دیگری هم ضرورت است، زیرا فساد باعث می شود تا تلفات زیاد شود و فساد که باعث افزایش تلفات شود، برای من، سربازان اردو و هموطنان ما قابل قبول نیست.» اشرف غنی تاکید کرد که برای کاهش تلفات نیروهای امنیتی اقدامات و برنامه های مهم تر و بیشتری در نظر گرفته شود. به گفته او، هفته گذشته در جلسه سرقوماندانی عالی با حضور مقام های امنیتی روی چگونگی جلوگیری از افزایش تلفات نیروهای امنیتی «همه جانبه» بحث و «تصامیمی» نیز اتخاذ شده است. رییس جمهور غنی گفت: «اگر عساکر کلاه و البسه و سایر تجهیزات مورد ضرورت خود را به کار نبرند، احتمال تلفات افزایش می یابد. بنا بر این هدایت دادم که به تجهیز نیروهای دفاعی و امنیتی باید توجه جدی شود و هیچ گونه غفلت در زمینه پذیرفتنی نیست.» رییس جمهور همچنین به رسیدگی به بازماندگان و زخمیان نیروهای امنیتی کشور

سند تقنینی و در سال جاری حدود ۷۷ سند تقنینی را «طی مراحل حقوقی» کرده که شامل مهم ترین قانونها و مقرره ها است. او گفت که این وزارت آگاهی دهی عامه را در اولویت برنامه های خود قرار خواهد داد تا مردم از قانون آگاهی داشته باشند. وزیر عدلیه افغانستان قانون اساسی افغانستان را «راه وسط میان افراط و تفریط» خواند و گفت که این قانون پس از سالها جنگ از سوی نمایندگان مردم تایید شده است و مسوولیت همه است که آن را احترام و تطبیق کنند. او گفت که قانون نظر به شرایط تغییر پذیر است و راه تعدیل آن در قانون اساسی نیز باز گذاشته شده است.

همچنین، عبدالمجید غنی زاده رییس عمومی تقنین وزارت عدلیه گفت که در این وزارت بیش از ۹۰ قانون فرعی «تدقیق و طی مراحل» شده، که اکثر آن از سوی شورای ملی تصویب و از سوی رییس جمهور نیز توشیح شده است.

او گفت که از آغاز حکومت وحدت ملی تا کنون نزدیک به ۱۶۸ شماره سندهای تقنینی، فرمانها، مقرره ها و اساسنامه ها تعدیل، افزایش، حذف و ضمیمه در آنها «طی مراحل» شده که پس از توشیح اکثر آنان، در جریده رسمی این وزارت به نشر رسیده است.

رییس تقنین وزارت عدلیه می گوید که از آغاز حکومت وحدت ملی تعداد زیادی از قانونهای فرعی نافذ شده، اما تاکنون در تطبیق آن اقدامهای عملی برداشته نشده است. او گفت که در صورتی که حاکمیت قانون در افغانستان تامین شود، هر فرد چه رییس جمهور باشد یا یک فرد عادی کشور، از قانون بالاتر نیست.

عبدالروف هروی عضو کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی نیز گفت که با آن که بیش از ۹۰ سند تقنینی که در قانون اساسی پیش بینی شده و تعدادی نیز «به پای اكمال» رسیده و طی مراحل شده، وی افزود: «تاکنون هم قوانین بسیار عمده و مهمی در قانون اساسی داریم که پیش بینی شده، اما متأسفانه طی مراحل نشده است.»

امور پارلمانی بود، گفت: «تمی دانیم دلیلش چه بود، یا بی کفایتی بوده، یا عدم فهم، یا تعلق بوده و یا ناتوانی مطلق در این قسمت بوده است.» آقای هاشمزی گفت که برخی از قانونها در شورای ملی «چهارسال، پنج سال» می ماندند و آنان از ماده قانون یک تفسیر دیگر می کنند، در حالی که مرجع تفسیر مجلس نمایندگان نیست.

مطابق با قانون هر قانون جدیدی که به شورای ملی می رود، باید در یک ماه طی مراحل و به تصویب برسد. در این مورد رییس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی می گوید: «هر قانونی که در شورا می رود باید در ظرف یک ماه [طی مراحل] خلاص شود، الزامی است. حالا به چالش مطلق مواجه شده است، چهار سال، پنج سال، یک تفسیر دیگر از این ماده می کنند، [در حالی که] مراجع تفسیر معلوم است.» همچنین در قانون اساسی آمده است که دولت باید با فساد اداری مبارزه کند، به گفته آقای هاشمزی، دولت موفق نشده و قانون مبارزه با فساد نیز هنوز «هیچ تطبیق نشده است.» او گفت باید از کسانی که برای محو فساد اداری مبارزه می کنند، پرسیده شود که «چه استراتژی ای برای مبارزه با فساد دارند؟ و چرا استراتژی آنان ناکام می شود؟»

رییس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی همچنان می گوید که حکومت وحدت ملی از لحاظ قانونی مشکل ندارد و در مطابقت با قانون است. او گفت که در قانون اساسی به وضاحت به رییس جمهور صلاحیت داده شده تا اداره ای را ایجاد و در صلاحیت هایش دیگران را نیز شریک کند.

محمدقاسم هاشمزی در مورد این که کدام مورد قانون نقض شده، گفت: «ما از نقض قانون حرف نمی زنیم. نقض به این معنا که کسی عمدا قانون را تطبیق نکرده باشد. باید گفت که عدم تطبیق قانون اساسی، عدم تطبیق به این معنا که مورد های الزامی [در قانون اساسی] به شکلی از اشکال، به چالش مواجه شده است.» با این حال، عبدالصیر انور وزیر عدلیه گفت که این وزارت در سال ۱۳۹۴ نزدیک به ۹۱

کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی:

۲۱ ماده قانون اساسی با چالش مواجه است



● سردار داهی

اساسی بدون وزارت عدلیه ناممکن است و باید این وزارت در پی گیری تصویب و توشیح قانونهای جدید جدی باشد. به باور او، «برای این که قانونها با هم تداخل پیدا نکنند، این است که مسوولان باید فرق امضا و الحاق را بدانند.» او گفت که قانون معاهدات بین المللی با این مشکل روبه رو بود و پس از دو سال که در وزارت دولت در امور پارلمانی گم شده بود، به توشیح رییس جمهور رسیده است. به باور او، مسوولان ذی ربط از خود کم کاری نشان داده اند و از این که دو سال قانون معاهدات بین المللی در وزارت دولت در

با فساد اداری، طی مراحل قانونها در زمان زیاد، و دیگر بخش های قانون که تطبیق شان الزامی است، هنوز هم تطبیق نشده اند. او توشیح قانون معاهدات بین المللی را مثال زد، گفت که پس از دو سال این قانون توشیح شده، در حالی که باید تصویب هر قانون جدید در شورای ملی مطابق با قانون در یک ماه تمام شود، اما به مرور زمان، تفسیرهای مختلف از این ماده که «هر قانون جدید در شورای ملی در یک ماه طی مراحل شود»، صورت می گیرد. رییس این کمیسیون گفت که تطبیق قانون

رییس کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی می گوید که حدود ۲۱ ماده قانون اساسی افغانستان با چالش مواجه است و قانونهای جدید به کندی طی مراحل می شود. محمدقاسم هاشمزی رییس کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی دیروز در بزرگداشت از هفته قانون اساسی گفت که تطبیق قانون انتخابات شورای ولسوالیها و قریهها، ماده های قانون در رابطه به محیط زیست، قانون مبارزه

انتخابات امریکا و رییس‌جمهور منتخب دونالد ترامپ

سیر یگانه

دشواری‌های اقتصادی توده‌ها در ایالت‌های مرکزی - غربی امریکا که به طور سنتی صنعتی بوده‌اند، بیشتر پیامد دگرگونی‌های ساختاری و بنیادی در اقتصاد امریکا و جهان‌اند تا زاده‌ی سیاست‌های حزب دموکرات و رییس‌جمهور اوباما. اقتصاد پسا - صنعتی در ۵۰ سال پسین و رشد سرسام‌آور فن‌آوری به گونه‌ی روزافزون تولیدات صنعتی جهان پیش‌رفته را به خدمت‌گذار داده، استخدام کارچوین را در بخش‌های صنعتی، مثلاً کارخانه‌های تولیدی و معادن (کان‌ها)، دشوار ساخته است. هم‌چنان، گلوبالیزیشن (جهانی‌شدن)، مرزهای تجارتی را از میان برداشته رقابت‌های تولیدی را جهانی ساخته است. کارگرانی که پیشینه‌ی کار صنعتی دارند برای کارایی در بخش خدمات، به آموزش تخصصی نیاز دارند و چنین دگرگونی‌ای راستا برای آدم‌های میان‌سالی که سال‌ها در بخش‌های صنعتی کار کرده و تجربه اندوخته‌اند دشوار و حتا ناممکن است.

همان گونه که سازه‌های پویا و پیچیده‌ی بالا، در انتخابات اخیر امریکا نقش بنیادی

کارزار انتخاباتی در امریکا در گذرگاه تاریخ سیاسی این کشور دو قطبی بوده است. حزب دموکرات با اندیشه‌های لیبرال و روی هم رفته پیش‌رونده (پروگریسیف) در سمت چپ و حزب جمهوری‌خواه با سیاست‌های محافظه‌کارانه و سنتی در سوی راست فعالیت می‌کنند. انتخابات پسین و گزینش دونالد ترامپ از حزب جمهوری‌خواه به جایگاه رییس‌جمهور ایالات متحده امریکا در روند مردم‌سالاری در امریکا نقطه‌ی عطفی بود.

دونالد ترامپ هفتاد ساله که سرمایه‌دار ساختمان است، در جوانی سرمایه‌هنگفتی از پدرش که از پیشینیان ساختمان‌سازی در نیویورک است، به دست آورده است. سرمایه‌ی کنونی دونالد ترامپ را نگارندگان بیشتر از ۴ میلیارد و خودش بیشتر از ۱۰ میلیارد دالر برآورد می‌کنند. افزون بر ساختمان، گرایش‌های بازرگانی آقای ترامپ با بهره‌برداری از نام تجارتی «ترامپ» در رسانه‌های دیداری (تلویزیون)، خرید و فروش پوشاک، صادرات و واردات، اجاره‌دهی و دیگر بخش‌ها چشم‌گیر اند. نام



داشتند، واگوش و نمایش چالش‌ها و راه‌های برون‌رفت از آن‌ها سرنوشت‌ساز بودند. دونالد ترامپ توانست از پیچیده‌بینی و پیچیده‌گویی که ویژه‌ی نخبگان سیاسی است، دوری‌گزیند و با پافشاری به فکتورهایی که برای رای‌دهندگان ایالت‌های مرکزی - غربی، اهمیت داشت و با برانگیختن احساسات ناسیونالیستی مردم برنده شود. از این دیدگاه نمی‌توان از هوشیاری سیاسی دستگاه انتخاباتی دونالد ترامپ و بی‌کفایتی دستگاه هیلاری کلینتون در درک و دریافت‌ها و از بررسی و پاسخ به موقع به نیازهای توده‌های ناخشنود، در ایالت‌های مرکزی - غربی، چشم‌پوشی کرد. سرانجام، غیرمنتظره‌ترین پی‌آمد انتخابات، پیروزی احساسات بر منطق بود. مردم امریکا با گزینش دونالد ترامپ، هم‌گام و هم‌آهنگ با جریان‌های سیاسی پست‌مدرن در گوشه‌های دیگر جهان، نشان دادند که عنصرهای احساسی، سلیقه‌ای و پیوندی هم‌مانند ترس، آرزو، نژاد، جنس، زبان، ریشه‌های فرهنگی و جغرافیایی، برداشت‌های خودی دیگر موردها می‌توانند به مراتب تاثیرگذارتر و سرنوشت‌سازتر از مایه‌های عقلی، تحلیلی و علمی باشند. به عبارت دیگر، شعر و شعار در گزینش و تعیین سرنوشت آدم‌ها کارسازتر از خرد و استدلال است. برای آنانی که چون من از جهان و جهانیان چشم‌داشت واقع‌بینی سیاسی و گزینش خردمحرانه دارند، شکیبایی آرزو می‌کنم.

تجارتی «ترامپ» و روال زندگی و کرکتر دونالد ترامپ همواره با زرق و برق نمایشی و اغراق‌آمیز همراه بوده‌اند تا کیفیت درونی یا ارزش بنیادی.

دونالد ترامپ در انتخابات توانست با بهره‌برداری از زرق و برق شخصیتش و سودجویی از جهش‌های ناسیونالیستی و پوپولیستی توجه توده‌ها را که از سیاست‌مداران هر دو حزب سیاسی در امریکا، به ویژه از نخبگان سیاسی، بیزار و ناامید بودند، به خود جلب کند. افزون بر آن، گزینش آقای ترامپ با تنش‌های نژادی همراه بود. سفیدپوستان میان‌سالی که بیشتر دور از شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و تحصیلات عالی ندارند، سیاست‌های سوسیالیست‌محور حزب دموکرات را که بر پخش عادلانه‌تر دارایی در میان مردم پافشاری می‌کنند، برای موقف اقتصادی و اجتماعی‌شان ناسازگار و مهاجرین و سیاه‌پوستان را مقصر پایین‌آمدن آرام آرام سروسامان اقتصادی‌شان دانستند. نگرانی‌های امنیتی (ترس از تروریسم و بنیادگرایی اسلامی) و کمپاین انتخاباتی که بر ترس از «آن دیگر» استوار بود، هم‌چنان در گزینش نامزد «زورگوی» و ناسیونالیست یاری رساندند. نامزدی که برای دشواری‌های پیچیده و چندین بُعدی ملی و جهانی کوتاه‌ترین و توده‌پسندترین - نه درست‌ترین - پاسخ را می‌توانست بدون ژرفاندیشی پیش‌کش کند.



هاشمی رفسنجانی تمام رازها را به گور برد؟

فردوس کاوش

که منجر به قتل عبدالعلی مزاری رهبر و بنیان‌گذار حزب وحدت اسلامی افغانستان شد، نیز چیزهای زیادی می‌دانست. در آن زمان شخصی به اسم حدادی کاردار سفارت ایران در کابل بود. روشن است که آقای حدادی به وزارت خارجه ایران گزارش می‌داد و از این وزارت‌خانه و طبعاً از آقای رفسنجانی دستور می‌گرفت.

بر بنیاد برخی از روایت‌ها آقای حدادی در روزهای آخر عمر آقای مزاری، میان او و حکومت آقای ربانی میانجی‌گری می‌کرد. این میانجی‌گری‌ها پیش‌رفت کرد و مقام‌های حکومت برهان‌الدین ربانی منتظر بودند تا آقای مزاری در موتر آقای حدادی از غرب کابل به فرودگاه خواجه‌رواش بیاید و به یک منطقه‌ی امن پرواز کند. آقای حدادی به مقام‌های دولت برهان‌الدین ربانی اطمینان داده بود که آقای مزاری از غرب کابل به سفارت ایران می‌آید و پس از یک استراحت مختصر به فرودگاه خواجه‌رواش می‌رود. حدادی از مقام‌های نظامی حکومت برهان‌الدین ربانی تضمین گرفته بود تا امنیت آقای مزاری را تامین کنند. اما به دلایلی که تا هنوز روشن نیست، آقای مزاری از غرب کابل به مناطق زیر کنترل حکومت آقای ربانی نیامد.

برخی از مقام‌های آن زمان می‌گویند که وقتی ساعت موعود فرا رسید، همه منتظر ورود آقای مزاری به مناطق زیر کنترل حکومت وقت بودند، اما موتر آقای حدادی بدون این که کسی سوار آن باشد، از غرب کابل برگشت. پس از آن، آقای حدادی در دیدار با مقام‌های وقت وزارت خارجه، داشتن تماس با آقای مزاری را انکار کرد. چرا آقای حدادی به دولت آقای ربانی اطمینان داده بود که آقای مزاری از غرب کابل به مناطق زیر کنترل این حکومت می‌آید و از آن جا به یک مکان امن پرواز می‌کند؟ چرا این سناریو عملی نشد؟ به چه دلیل آقای حدادی در دقایق آخر حتا داشتن تماس با آقای مزاری را انکار کرده بود؟ این‌ها سوال‌هایی‌اند که تا حال کسی جواب‌شان را نمی‌داند. به احتمال قریب به یقین که هاشمی رفسنجانی در مورد این رویدادها چیزهای زیادی می‌دانست. روشن نیست که مرحوم رفسنجانی در باره‌ی این رویدادها چیزهایی در خاطرات چاپ نشده‌اش نوشته یا این رازها را هم با خودش به گور برده است.

هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۶، زمانی که گروه طالبان بر کابل حکومت می‌کرد، کرسی ریاست‌جمهوری ایران را برای محمد خاتمی ترک کرد و پس از آن در سیاست‌گذاری‌های ایران در قبال افغانستان نقشی نداشت.

هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ به ریاست‌جمهوری ایران رسید. در آن زمان نیروهای شوروی، تازه افغانستان را ترک کرده بودند و حکومت دکتر نجیب برای بقایش دست‌وپا می‌زد. حکومت ایران در آن زمان با آن که از نیروهای مخالف حکومت نجیب حمایت می‌کرد، اما در اواسط سال ۱۳۶۹ حکومت آقای اکبر هاشمی رفسنجانی تماس‌های خود را با حکومت دکتر نجیب تشدید کرد. اسناد وزارت خارجه‌ی افغانستان نشان می‌دهد که حکومت ایران در آن زمان، به این نتیجه رسیده بود که سقوط نجیب و پیروزی نظامی مخالفان او، منجر به گسترش نفوذ عربستان در افغانستان و سبب ایجاد مشکلات امنیتی برای ایران می‌شود.

در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بارها مقام‌های ایرانی از جمله میرمحمد موسوی برادر میرحسین موسوی به دستور هاشمی رفسنجانی به کابل آمدند و با دکتر نجیب مذاکره کردند. اما با روی کار آمدن بوریس یتلسن در روسیه، پشت نجیب خالی شد و حکومت او سقوط کرد. دور دوم ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی در ایران، مصادف بود با جنگ‌های ویران‌گر کابل. در آن زمان حکومت ایران از مخالفان دولت آقای برهان‌الدین ربانی حمایت می‌کرد. رفسنجانی با آن که حامی مخالفان شیعه‌ی حکومت آقای ربانی بود، اما با آن هم شکلیات و رسمیات را مراعات می‌کرد و دولت آقای برهان‌الدین را به رسمیت می‌شناخت. آقای رفسنجانی باری از آقای ربانی در تهران در سال ۱۹۹۲ استقبال کرد. در این دیدار آقای ربانی از رفسنجانی طلب کمک کرد، اما مرحوم رفسنجانی پس از عزیمت آقای ربانی به کابل، در یک اظهار نظر علنی، رهبران تنظیم‌های جهادی افغانستان را بی‌خرد و نادان توصیف کرد. آقای رفسنجانی سیاست‌مداری بود که به صورت منظم خاطرات خود را می‌نوشت و چاپ می‌کرد. در خاطرات چاپ شده‌ی آقای رفسنجانی چیز زیادی در باره‌ی افغانستان و سیاست‌های حکومت ایران در قبال افغانستان نیامده است. اما این به معنای آن نیست که آقای رفسنجانی در باره‌ی افغانستان چیزی نمی‌دانست. آقای رفسنجانی رازهای زیادی در مورد افغانستان می‌فهمید. او از رازهای پشت پرده‌ی روابط حکومت دکتر نجیب با تهران، اطلاع داشت.

روابط ایران با گروه‌های مخالف دولت آقای ربانی از جمله حزب وحدت و تنظیم آقای حکمتیار نیز در دوران آقای رفسنجانی تنظیم شد. رفسنجانی در مورد رویدادهایی

علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی سیاست‌مدار قدرتمند ایرانی و از چهره‌های کلیدی انقلاب ۱۳۵۷ ایران درگذشت. هاشمی رفسنجانی چهارمین رییس‌جمهور ایران بود و در حال حاضر رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. او مدت طولانی سمت شورای خبرگان رهبری را نیز به دوش داشت. مرحوم رفسنجانی پس از فوت سیدروح‌الله موسوی خمینی بنیان‌گذار نظام حاکم بر ایران، نقش مهمی در تعیین جانشین او ایفا کرد. آقای رفسنجانی شهادت داد که مرحوم خمینی، قبل از درگذشتش در حضور او وصیت کرده بود که سیدعلی حسینی خامنه‌ای، رهبر آینده ایران باشد.

اکبر هاشمی رفسنجانی در طول حیات سیاسی‌اش، دچار تحولات فکری شد. برخی از رهبران تنظیم‌های اسلام‌گرای وطنی از این نظر با او قابل مقایسه‌اند. اکبر هاشمی رفسنجانی که در دهه شصت یک رهبر اسلام‌گرای پرشور بود، در دهه پایانی زندگی‌اش از این شر و شور انقلابی فاصله گرفت و خودش را اعتدال‌گرا نامید. آقای رفسنجانی به تدریج زاویه‌اش را با جناح تندرو حاکمیت ایران، بیشتر و بیشتر ساخت تا جایی که در انتخابات جنجالی ۱۳۸۸ به حمایت از جنبش سبز و رهبران آن صدا بلند کرد.

بسیاری از هواداران اصلاحات و جنبش دموکراسی‌خواه ایران، موقف سال ۱۳۸۸ رفسنجانی را می‌ستایند. جناح اصلاح‌طلب و میانه‌رو حاکمیت ایران، تا حدودی زیر چتر حمایتی آقای رفسنجانی فعالیت می‌کردند. آقای هاشمی با آن که در سال‌های پایانی عمرش با آقای خامنه‌ای رهبر ایران، اختلاف نظرهای عمیق داشت، اما حذف کامل سیاسی او برای رهبر ایران، ناممکن بود. با مرگ او رییس‌جمهور حسن روحانی که نماینده‌ی جناح معتدل حاکمیت ایران است، حامی قدرتمند خود را از دست داد.

رییس‌جمهور حسن روحانی روی حمایت آقایان محمد خاتمی و هاشمی رفسنجانی زیاد حساب می‌کرد. آقای خاتمی سیاست‌مداری محبوب است و پایگاه اجتماعی نیرومند دارد. اما آقای رفسنجانی با آن که محبوبیت آقای خاتمی را نداشت، اما از اقتدار لازم برخوردار بود و می‌توانست برای جناح اصلاح‌طلب و میانه‌رو حاکمیت، چتر حمایتی فراهم کند. تردیدی نیست که درگذشت او جناح‌های اصلاح‌طلب و میانه‌رو حاکمیت ایران را دچار مشکل می‌سازد.

هاشمی رفسنجانی برای سیاست‌مداران وطنی نیز چهره‌ی آشنا است. اکبر

سفیر فرانسه در کابل:

داعش تهدیدی

برای
همه‌ی ما است

گفتگوی ویژه ۸ صبح با فرانسوا ریشیه سفیر فرانسه در کابل

گفتگوکننده: پرویز کاوه

قسمت اول

ما به تعهدمان در زمینه همکاری‌های فرهنگی با افغانستان پایبند هستیم و این همکاری‌ها را ادامه خواهیم داد. هم در افغانستان و هم در پاریس، دیدگاه خوبی در رابطه به همکاری‌های فرهنگی وجود دارد و ما در آینده کارهای بیشتری در زمینه فرهنگ در افغانستان انجام خواهیم داد. در زمینه آموزش نیز برنامه‌هایی وجود دارند و ما می‌خواهیم شمار اسکالرشپ‌ها و بورسیه‌های درسی را در مقطع ماستری برای افغان‌ها بیشتر بسازیم. این یکی از برنامه‌هایی است که من روی دست دارم. زیرا من می‌دانم افغان‌هایی که برای ادامه تحصیل به فرانسه می‌روند، با استعداداند و شمار زیادشان نیز پس از اتمام درس‌های‌شان به کشور باز می‌گردند. این‌ها می‌توانند آینده‌ی افغانستان را رقم بزنند.

در آن مبارزه کنند و تمام نیروها در سراسر دنیا برای مبارزه با داعش مشترکاً عمل کنند. از جانب دیگر، کشورهای دخیل در این نشست در اعلامیه‌ای گفتند که در مورد اشتراک افغانستان در دور بعدی این گونه نشست‌ها با انعطاف برخورد می‌کنند و ممکن برخی از طالبان نیز از فهرست سیاه شورای امنیت حذف شوند. البته این‌ها اظهار نظرهای تازه نیستند، اما از این که یکبار دیگر بیان می‌شوند، خوب است. آن چه مهم است این است که هدف اصلی جامعه‌ی جهانی این است که به نقطه‌ای برسند تا طالبان تروریست، از فعالیت‌های تروریستی دست بکشند، قانون اساسی را بپذیرند و با خشونت‌آفرینی وداع کنند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، همه‌ی ما به شمول حکومت افغانستان خواهان حذف نام طالبان از فهرست سیاه خواهیم بود و حکومت افغانستان از آن عده‌ای که آشتی می‌کنند، پذیرایی خواهد کرد، آن چه را که



با حکمتیار انجام داده است. اما بدون شک این یک روند است و اولین مرحله‌ی روند حذف نام طالبان این خواهد بود تا وارد مرحله‌ی جدیدی از گفتگوهای صلح با حکومت افغانستان شوند. با این حال، آن چه مایه نگرانی است، انتشار ویدیویی در این اواخر از سوی طالبان است که دقیقاً عمق رابطه‌ی این گروه با القاعده را نشان می‌دهد و این نشانه‌ی خوبی نیست.

۸ صبح: ببینید، به تازگی جنرال قمر باجو رییس ستاد ارتش پاکستان در تماس تلفونی با شماری از رهبران افغان، علاقمندی‌اش را برای سفر به افغانستان اعلام کرده است تا مرحله‌ی جدیدی از گفتگوهای صلح آغاز شود و آینده‌ی صلح در افغانستان مورد بحث قرار بگیرد. این در حالی است که مقامات افغان فکر می‌کنند که مقامات پاکستانی معمولاً در ماه‌هایی که فصل جنگ به پایان می‌رسد و هوا سرد می‌شود، بحث مذاکره را پیش می‌آورند و زمانی که ماه اپریل فرا می‌رسد و فصل جنگ آغاز می‌شود، مقامات پاکستانی ناپدید می‌شوند. برای این که این حرکت پاکستانی‌ها را با مبارزه با تروریسم رابطه بدهیم، شما چه تصویری از این رویکرد تازه‌ی مقامات پاکستانی دارید؟

فرانسوا ریشیه: خوب، به عنوان یک دیپلمات می‌گویم که همیشه خوب است با مردم صحبت کنید. زمانی که صحبت نمی‌کنید، مشکلی در زمینه‌ی ایجاد تفاهم به وجود می‌آید. حالا اگر دیالوگ با این مقام پاکستانی آغاز می‌شود، کار خوبی است. شما به خوبی این واقعیت را که گفتگو در زمستان اتفاق می‌افتد و با فرارسیدن فصل جنگ، به پایان می‌رسد، بیان کردید. حالا سوال کلیدی این است که در فرصت کمی که پیش رو داریم، چه چیزی را به دست می‌آوریم؟ حالا اگر پاکستان تعهداتی را می‌سپارد و در این فرصت اندک به آن عمل می‌کند، کار خوبی خواهد بود.

۸ صبح: فرانسه یکی از کشورهای عضو ناتو است که در افغانستان هزینه‌های زیادی کرده است. ناتو نیز یک تعهد درازمدت در زمینه‌ی حمایت از نیروهای امنیتی ما دارد و فرانسه نیز یکی از کشورهای کلیدی عضو این سازمان است. با در نظر داشت فصل جنگ که پشت سر گذاشتیم، شما توانایی‌های نیروهای امنیتی افغان را در زمینه‌ی مبارزه با گروه‌های افراطی -چه داعش و چه طالبان- چگونه ارزیابی می‌کنید؟ هم‌چنان حمایت شما از نیروهای امنیتی افغان در آینده چه شکلی را به خود خواهد گرفت؟

فرانسوا ریشیه: من به یاد دارم زمانی که در سال ۲۰۱۴ رییس جمهور اوباما تصمیم گرفت تا بخش بزرگی از نیروهای نظامی کشورش را از افغانستان بیرون

فرانسوا ریشیه: خوب، این روند زمان می‌گیرد، زیرا روسیه هم بر خلاف توقع، موقف‌اش را در این باره اعلام کرده است. بلی، ما مشکل دوجانبه با آقای حکمتیار داریم، زیرا او نه تنها مسوولیت کشته‌شدن سربازان ما را به عهده گرفته است، بلکه عمداً دست به کشتار و از بین بردن سربازان ما در اثر حملات وحشیانه زده است. بدون شک سیستم داخلی ما این همه را ثبت خواهد داشت و آقای حکمتیار را اجازه‌ی ورود به فرانسه نخواهد داد.

۸ صبح: شما در مورد موقف تازه‌ی روسیه در باره‌ی حکمتیار صحبت کردید. شما اطلاع دارید که اخیراً جلسه‌ی سه جانبه‌ی میان روسیه، چین و پاکستان در روسیه برگزار شد و این کشورها موضوع افغانستان را به خصوص در مورد حضور داعش در این کشور، در دستور کار جلسه‌شان داشتند. شما این گونه مجالس کشورهای منطقه را چقدر در امر مبارزه با داعش موثر می‌بینید و از این که افغانستان در این گونه جلسات از چشم انداخته شده است، چقدر می‌تواند به رابطه‌ی افغانستان با این کشورها اثر بگذارد؟

فرانسوا ریشیه: بلی، ما هم مثل همه، شاهد حضور داعش در افغانستان زیر نام ولایت خراسان در دو سال گذشته در ننگرهار و در این اواخر در شمال بوده‌ایم. ما باید از تلاش‌های شجاعانه‌ی نیروهای امنیتی افغان در امر مبارزه با داعش قدردانی کنیم. این نیروها سهم خودشان را در مسوولیت مشترک مبارزه با داعش انجام داده‌اند. ما نیز ما با داعش مبارزه می‌کنیم و هم‌چنان در همکاری با موآلفین مان، با داعش در سوریه و عراق می‌جنگیم. ما در فرانسه نیز داعش داریم. چندین بار از جانب این گروه مورد حمله قرار گرفته‌ایم. دود و پنجاه کشته در ماه‌های اخیر داشته‌ایم. از تلاش‌های حکومت افغانستان برای مبارزه با داعش در ننگرهار قدردانی می‌کنیم.

در رابطه به نشست مسکو، روسیه ادعا کرده است که از جان گرفتن داعش در منطقه نگران است. من فکر می‌کنم در این نگرانی ما با هم اشتراک نظر داریم و هم‌چنان این نگرانی حکومت افغانستان نیز بوده است. این می‌تواند به نگرانی جدی‌تری بدل شود. زمانی که داعش در موصل و رقه به شکست مواجه شد، ما دیده‌ایم که البغدادی به جنگجویانش دستور داده است که به سایر مناطق پراکنده شوند و بدون شک، آسیای میانه نیز یکی از این مکان‌ها خواهد بود. ما به صورت جدی این نگرانی را درک می‌کنیم. افغانستان با داعش می‌جنگد. آنان می‌توانستند این واقعیت را برجسته سازند که افغانستان عملاً با داعش در جنگ است. من فکر می‌کنم این چارچوبی است که همه باید مشترکاً

۸ صبح: آقای سفیر، تشکر از شما که برای این گفتگو وقت گذاشتید. به عنوان پرسش نخست، می‌خواهم از شما در باره‌ی موقف فرانسه در رابطه به برداشتن نام حکمتیار از لیست افراد تروریست سازمان ملل متحد و هم‌چنان توافقات اخیر حکومت افغانستان با حکمتیار به عنوان رهبر حزب اسلامی افغانستان توضیحاتی را به دست بیاورم.

فرانسوا ریشیه: خوب، اصول اساسی ما این است که از گفتگوهای صلح به رهبری افغان‌ها با گروه‌های شورشی و تروریستی به منظور دستیابی به صلح حمایت می‌کنیم. هدف دستیابی به صلح، دست کشیدن از خشونت و پذیرفتن قانون اساسی افغانستان است و این در واقع چارچوبی است که ما بر مبنای آن فعالیت‌های مان را ادامه می‌دهیم. به همین منظور ما از تلاش‌های رییس جمهور غنی برای مذاکره با طالبان و سایرین حمایت می‌کنیم. دولت افغانستان تصمیم گرفته است تا توافقنامه‌ی صلح را با حزب اسلامی حکمتیار امضا کند که البته این مسوولیت و انتخاب خودشان است و ما در این مورد قضاوت نمی‌کنیم، زیرا این یک روند به رهبری افغان‌ها بوده است. اگر این کار بتواند به عنوان یک کار نمونه منجر به گفتگوهای جدی با طالبان شود و به صلح بینجامد -مشروط بر این که قانون اساسی رعایت شود- کار بسیار خوب خواهد بود.

حذف نام حکمتیار از فهرست سیاه بخشی از این توافقنامه است. وقتی این نامه به نیویورک می‌رسد، شورای امنیت باید موضع‌اش را در قبال این مساله اعلام کند. بنابراین دلالی که ما داریم و با توجه به شناخت تاریخی ما از آقای حکمتیار، ما به وقت بیشتری نیاز داشتیم تا به جزئیات این نامه بپردازیم و به همین دلیل به چند روز وقت نیاز داشتیم. به همین دلیل برای چند روز، این روند را متوقف ساختیم و جزئیات را به دست آوردیم و بالاخره در ماه دسمبر اعتراض‌مان را پس گرفتیم تا این روند به جلو برود. ما می‌دانیم که حلقه‌های فراوانی در افغانستان‌اند که نگران مصالحه با حکمتیار و برگشت او هستند. ما این نگرانی‌ها را درک می‌کنیم، زیرا تاریخ هنوز زنده است و به این زودی، محو نمی‌شود. به هر حال، این خواست حکومت افغانستان بوده است و بر حکومت افغانستان است تا این روند را به موفقیت برساند.

۸ صبح: اما حزب اسلامی در گذشته مسوولیت شماری از حملات را بر پایگاه‌ها و سربازان فرانسه به دوش گرفته است. حالا اگر شورای امنیت بخواهد حکمتیار را از لیست بیرون کند، موقف شما به عنوان یک ملت چه خواهد بود؟

کند، منفی‌گرایی در مورد توانایی‌های نیروهای افغان به شدت اوج یافت. بسیاری از صاحب‌نظران می‌گفتند که نیروهای افغان توانایی مبارزه با تهدیدهای طالبان را نخواهند داشت و کشور به زودی سقوط خواهد کرد. چنین چیزی چیزی اتفاق نیفتاد. البته تلاش‌ها برای تقویت نیروهای امنیتی افغان و حضور شماری از متخصصان ناتو نقشی را ایفا کردند، اما این‌ها کافی نبودند. من این سوال را در دو نکته جمع‌بندی می‌کنم: اول: با آن که سربازان افغان جوان‌اند، اما تلاش‌ها برای تجهیز و آموزش‌شان نتایج خوبی به جا گذاشته است و دوم این که تعهدی که در میان سربازان ارتش و پولیس وجود دارد، یک تعهد واقعی است. اگر به شمار تلفات این نیروها در طی یک سال توجه کنید، متوجه می‌شوید که این‌ها واقعا با تعهد عمل کرده‌اند. شما اگر نجاتی، تلفات هم ندارید. همین است که این‌ها چالشی را که ملت با آن مواجه است به درستی درک کرده‌اند و کار خوبی می‌کنند. البته ولسوالی‌ها و شهرهایی‌اند که از سوی طالبان سقوط داده شده‌اند و به زودی دوباره از سوی این نیروها تسخیر شده‌اند و این یک امر معمول است. آن چه مهم است، سمت و سو دادن به این نیروها است و ما می‌دانیم که برنامه‌هایی نیز برای این کار روی دست است. ما باید دل‌گرمی بیشتر برای این سربازان در مسیری که حرکت می‌کنند، ایجاد کنیم. یکبار دیگر، در دو سال اخیر این نیروها به خوبی مقاومت کرده‌اند و طالبان را رانده‌اند. هدفی را که طالبان برای تسخیر شهرها و ایجاد حکومت‌شان دنبال می‌کنند، همواره از سوی این نیروها خنثا شده است.

۸ صبح: و شما فکر می‌کنید با توجه به این وضعیت، فرانسه به عنوان یک کشور عضو ناتو در کنار نیروهای افغان در درازمدت خواهد ایستاد؟

فرانسوا ریشیه: بلی البته. نه تنها در چارچوب ناتو، بلکه در چارچوب همکاری‌های دوجانبه‌ای که با افغانستان داریم به آموزش افسران افغان ادامه خواهیم داد. ما هم‌چنان همکاری‌های فراوانی با پولیس افغان داریم که به خوبی به پیش می‌رود. ما توجه خاصی بالای پولیس نظم عامه داریم که به عقیده‌ی ما در کشوری مانند افغانستان، یکی از نیروهای مهم پولیس است. این نیروها با محیط چالش‌زایی مثل افغانستان به خوبی انطباق پذیرفته‌اند. این‌ها در کنار کارهای پولیسی که عبارت از حفظ نظم و قانون‌مداری است، در جنگی که باید نیروهای ارتش انجام بدهند، نیز حضور دارند. ما به حمایت‌مان از این نیروها ادامه خواهیم داد. **۸ صبح:** شما از همکاری دوجانبه میان افغانستان و فرانسه یاد کردید. ما می‌دانیم که این دو کشور تاریخ طولانی همکاری‌های دوجانبه را در زمینه‌های فرهنگی و میراث‌های تاریخی در کارنامه‌شان دارند. برنامه‌ی شما برای ادامه‌ی همکاری با افغانستان در زمینه‌های فرهنگی چیست؟

فرانسوا ریشیه: ما به تعهدمان در زمینه‌ی همکاری‌های فرهنگی با افغانستان پایبند هستیم و این همکاری‌ها را ادامه خواهیم داد. هم در افغانستان و هم در پاریس، دیدگاه خوبی در رابطه به همکاری‌های فرهنگی وجود دارد و ما در آینده کارهای بیشتری در زمینه‌ی فرهنگ در افغانستان انجام خواهیم داد. در زمینه‌ی آموزش نیز برنامه‌هایی وجود دارند و ما می‌خواهیم شمار اسکالرشپ‌ها و بورسیه‌های درسی را در مقطع ماستری برای افغان‌ها بیشتر بسازیم. این یکی از برنامه‌هایی است که من روی دست دارم. زیرا من می‌دانم افغان‌هایی که برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه می‌روند، با استعداداند و شمار زیادشان نیز پس از اتمام درس‌های‌شان به کشور باز می‌گردند. این‌ها می‌توانند آینده‌ی افغانستان را رقم بزنند.

در مورد پروژه‌های خاص تر فرهنگی، در سال جاری به تاریخ یازدهم مارچ ما در یکی از مراکز فرهنگی فرانسه به نام «توکيو پلس» برنامه‌ی یک روزه‌ی فرهنگی را برگزار می‌کنیم. ما از نویسندگان و هنرمندان فرانسوی دعوت کردیم تا به صورت انفرادی برای مدت یک هفته به بامیان بیایند و ساحات مربوط به بت‌های بودا را تماشا کنند. بعد فکر کنند و اثرهای هنری‌شان را که با اثرپذیری ساحه‌ی بت‌های بامیان در ذهن‌شان خنثی می‌کند، خلق کنند. در یازدهم مارچ ما مجموع آثار هنری را که خلق شده‌اند، رونمایی می‌کنیم. این برنامه هم‌چنان زمینه را برای برگزاری شماری از کارگاه‌های هنری فراهم خواهد کرد و زمینه را برای دیدار هنرمندان فرانسوی و افغان میسر خواهد ساخت. افغان‌های مقیم فرانسه در این برنامه حضور خواهند داشت و هم‌چنان دوستان فرانسوی افغانستان نیز شرکت خواهند کرد. من فکر می‌کنم این یک برنامه‌ی دل‌زنده و مثبتی برای افغانستان خواهد بود.

ادامه دارد

نابینایان آموزش دیده: آموزش کامپیوتر نابینایان را به جامعه نزدیک تر می سازد

زینب فرمند

نخستین دوره از نابینایانی که در موسسه «راهیاب» مشغول آموزش کامپیوتر بودند، پس از ختم دوره‌ی شش ماهه‌ی آموزشی‌شان فارغ شدند و مسوولان این موسسه و فارغان نابینای دوره‌ی آموزشی این نهاد می‌گویند: «گویاسازی کامپیوتر و فراهم‌سازی آموزش کامپیوتر به نابینایان، آنان را به جامعه نزدیک تر می‌سازد.»

مهدی سلامی معاون موسسه‌ی خدمات بازتوانایی نابینایان افغانستان (راهیاب) و یک تن از آموزش‌دهندگان می‌گوید که در شش ماه به نابینایان مهارت‌های استفاده از کامپیوتر را آموزش داده‌اند که اینک نخستین دوره‌ی این کورس که شامل ده نفر است، فارغ شده‌اند. او می‌گوید: «پنج تن از این نابینایان که آموزش کار با کامپیوتر را فراگرفته‌اند، بانوانند.»

مهدی سلامی می‌گوید که این نابینایان به وسیله‌ی اپلیکشنی که برنامه‌های کامپیوتر را صادر می‌سازد، می‌توانند با کامپیوتر رابطه برقرار کرده و از آن استفاده کنند. مهدی سلامی که خود نیز نابینا است، می‌گوید: «دو راه عمده هست برای ارتباط اشخاص دارای معلولیت بینایی و کامپیوتر: یکی طریقه‌ی نمایش بریل است که وسایل جانبی دیگری وجود دارد که آن‌چه به صفحه‌ی کامپیوتر می‌آید، به خط بریل حس می‌شود که البته این طریقه به لحاظ اقتصادی، گران هست و در دسترس اشخاص محدود نابینا قرار دارد و فقط بعضی اماکن خاص می‌توانند از این امکانات استفاده کنند و این قدر استفاده‌ی شخصی از این وسایل برای نابینایان مقدور نیست.»

او می‌گوید: «اما راه دومی هم وجود دارد و آن سهولت‌های گویاکننده‌ی ویندوز است.

شرکت‌های مختلفی نرم‌افزارهایی ساختند که ویندوز و دیگر نرم‌افزارهای دیگر را گویا می‌سازد و این‌ها می‌توانند که تمام محیط‌های کامپیوتر را به صورت شنیداری در اختیار بگیرند و تمام برنامه‌ها، هم‌مانند ویندوز و دیگر برنامه‌ها برایشان قابل دسترس او استفاده‌ی باشد. نابینایان از طریق کیبورد و صدا یعنی حس شنوایی‌شان می‌توانند با کامپیوتر کار کنند.»

آقای سلامی می‌گوید موسسه‌ی راهیاب روش شنیداری را در آموزش این نابینایان بنا به سهولت در برقراری رابطه‌ی نابینا و کامپیوتر، کم‌تر بودن هزینه و همه‌شمول بودن این روش، انتخاب کرده است.

او گفت: «ما روش دوم [شنیداری] را در آموزش‌دهی به این دانش‌آموزان انتخاب کردیم بنا به این که هم اقتصادی‌تر و هم همه‌شمول است.» آقای سلامی با نشان دادن «فلش دیسکی» به من گفت: «بینید من یک فلش در جیب دارم و با این من می‌توانم که کامپیوتر شخصی شما را هم به وسیله‌ی برنامه‌ی گویاکننده، گویا بسازم و از کامپیوتر شما استفاده کنم.»

او می‌گوید که نابینایان آموزش‌دیده با بسیار سهولت، از این روش، هر کامپیوتری را می‌توانند گویا کنند.

او می‌گوید: «ما نابینایان، کامپیوترکاری داریم که اگر کامپیوتر هر فردی به نحوی مشکل نرم‌افزاری پیدا کند، برنامه‌ی گویاسازی را در آن نصب می‌کنیم و تا به کامپیوتر دسترسی پیدا کنیم و به راحتی [پس از آن] می‌توانیم کامپیوتر شما را گویا ساخته و مشکل آن را حل کنیم.»

او گفت: «آموزش کامپیوتر به نابینایان و

استفاده از گویاسازی کامپیوتر آنان را به اجتماع نزدیک می‌سازد و سهولتی ارزان است.» از سوی دیگر عبدالباقی بریال، عضو مشرانو جرگه می‌گوید که دسترسی به فرصت‌های مناسب، عدم تبعیض و ورود نابینایان و معلولان در جامعه نیاز مهمی است. وی گفت: «موافقت‌نامه‌ی مراکش که عمدتاً برای نابینایی است، برای استفاده از آثار و نسخه‌های خطی، با یک مقدمه‌ی بسیار مهم براساس پیمان جهانی کرامت بشری افراد دارای معلولیت که بر بنیاد آن دسترسی به فرصت‌های مناسب و عدم تبعیض و ورود نابینایان به جامعه بسیار مهم است.»

در همین حال، داکتر صادق محبی، فعال امور معلولان نیز گفت که معاهده‌ی مراکش تسهیل‌کننده دسترسی نابینایان و معلولان به آثار چاپی است.

حکومت افغانستان در جون سال ۲۰۱۳ معاهده‌ی مراکش را امضا کرده است. در همین حال، آقای محبی گفت: «اگر آمار جهانی را در نظر بگیریم در دنیا ۲۸۵ میلیون نابینا وجود دارد که از این جمع ۳۹ میلیون نابینای مطلقاًند که به اساس گزارش سازمان صحت جهان و در حدود ۳۶۰ میلیون ناشنوا در جهان است، اگر کل جامعه‌ی معلولیت را که چیزی بالاتر از یک میلیارد یا پانزده درصد است در نظر بگیریم، دقیقاً نصف جامعه‌ی معلولیت را همین دو کتگوری (نابینایان و ناشنوایان) تشکیل می‌دهد و نسبت به همه‌ی معلولیت‌ها با تبعیض و محرومیت بیشتر مواجه هستند.»

او گفت که در درون جامعه‌ی معلولیت، سالانه میلیون‌ها جلد کتاب، مجله و منابع معلوماتی تولید می‌شود که گفته شده است یک تا هفت

درصد آن [برای معلولان] قابل دسترس است، پس ما با یک قلت جهانی کتاب روبه‌رو هستیم. قلت جهانی به دلیل این که ۲۸۵ میلیون نابینا و ۳۶۰ ناشنوا و دیگر افراد دارای معلولیت با خواندن کتاب مشکل دارند که آن‌ها به نحوی نمی‌توانند از کتاب‌ها استفاده کنند و با کمبود منابع اطلاعاتی مواجه‌اند.

به قول او، افراد دارای معلولیت‌های بینایی و شنوایی و سایر موارد نمی‌توانند از کتاب‌ها استفاده کنند بنا در کنوانسیون مراکش با در نظر داشت معاهده‌ی برن [کاپی‌رایت] آمده است که دولت‌ها باید منابع اطلاعاتی را به شکل بریل و یا به شکل زبان اشاره که برای افراد دارای معلولیت قابل فهمیدن شده بتوانند در بیاورند.

«راهیاب» که نخستین دور نابینایان را آموزش کامپیوتر داده است، نهادی است که توانسته خدمات بهتر و امیدوارکننده‌تری را به این گروه فراهم کند.



بر اساس گفته‌های مسوولان موسسه‌ی راهیاب این موسسه از سال ۱۳۸۸ به فعالیت آغاز کرده است و در تمام نقاط افغانستان جواز فعالیت دارد، اما به دلیل کمبود منابع، فعلاً تنها در کابل فعالیت می‌کند که ۱۰۰ نفر در این موسسه به حیث دانش‌آموز نام‌نویسی شده‌اند.

مسوولان این موسسه می‌گویند: «اهداف این موسسه حول سه نکته می‌چرخد. یک: پیش‌گیری از معلولیت در نسل‌های بعدی، دوم آموزش و بازتوانی اشخاص دارای معلولیت بینایی و سوم دفاع و دادخواهی از اشخاص دارای معلولیت به خصوص افراد دارای معلولیت بینایی.»

بر اساس گفته‌های معاون این موسسه این موسسه از سوی مرجع خاصی تمویل نشده و مصارف آن از سوی برخی خیرین تامین می‌شود و در صورتی که منابع مالی پیدا کنند به آموزش نابینایان در استفاده از کامپیوتر ادامه خواهند داد.

موریانه‌ها دهن بسته مرا می‌خوردند

شعر احساسات و هیجانات درونی انسان‌ها است و از آن جایی که انسان‌ها حس زیبایی‌پسند دارند و این زیبایی در هر قالب و پدیده که نقش ببندد زیبا و قابل ستایش است و شعر همانند نقاشی و موسیقی و امثال این‌ها به نگرش درونی تعلق گرفته و من هم‌چنان سال‌ها است در دنیای درونی‌ام زیسته و با واژه‌ها انس گرفته‌ام و زیبایی کلام را در شعر می‌سرایم.

سهیلا وداع خموش

موریانه‌ها دهن بسته مرا می‌خورند، نام مجموعه‌ای از پریسکه‌ی نوعی از اشعار کوتاه است که از حس زیبایی‌پسند زلاله زلال رحمانی تراوش کرده است.

وی اولین پریسکه‌سرای جوان و بااستعدادی است که این سبک را برای نخستین بار در افغانستان بنیان گذاشته است.

زلاله زلال، دختری است پرتلاش با شخصیت منحصر به فرد، با دید متفاوت، زیباپسند و افکار بلند جایگاهش را در مدت زمانی کوتاه میان شاعران معاصر ثابت کرده است.

وی را در رونمایی کتابش دیدیم و از زیبایی اشعارش پی بردم که تا چه حد روح سرکشش در ادبیات معاصر زبان فارسی دری می‌تازد، اما چه زیبا.

هرچند این مجموعه اولین کتاب زلاله است که چندی قبل از چاپ برآمد و به دست علاقمندان شعر و ادب قرار گرفت، اما وی کتاب‌های دیگری نیز روی دست دارد تا به علاقمندان شعر ثابت سازد که روزی پریسکه یا کوتاه‌هایش چه شیرین جایگاه بیشتری را در ادبیات افغانستان پیدا خواهد کرد.

خلاصه این که پریسکه چه سبکی است و زلاله زلال رحمانی کیست و تا کتون چند پارچه شعر سروده است، روزنامه هشت صبح مصاحبه‌ی ویژه‌ای را با این شاعر جوان ترتیب داده است، تقدیم‌تان می‌شود.

۸صبح: سرودن شعر را از کجا آغاز کردید و اشعارتان در چه قالب است؟

زلاله زلال: در آغاز چهار بیتی، غزل، رباعی و بعدها به نوشتن طرح‌های ادبی نو، سرودن اشعار سپید و در این دو سال اخیر به نوشتن و تحقیق روی شعر پریسکه پرداخته‌ام.

۸صبح: تا کتون چند قطعه شعر سروده‌اید و اولین اثرتان به نام چیست؟

زلاله زلال: اشعار بی‌شماری را در قالب‌های گوناگون تجربه کرده‌ام که از آن جمله مجموعه‌ای به اسم «موریانه‌ها دهن‌بسته مرا می‌خورند» اولین اثر من است که حاوی

و مبارز ثابت کرده‌اند که هیچ چیز مانع پیش‌رفت و ترقی‌شان نمی‌شود.

۸صبح: در چاپ کتاب، یک نویسنده و یا شاعر با کدام مشکلات روبه‌رو می‌باشد؟

زلاله زلال: در افغانستان همان طوری که جنگ نقطه پایان به هر روی کرد فرهنگی و اجتماعی، شده متأسفانه کتاب هم ارزش خود را از دست داده است، اگر نگاهی به کشورهای دیگر کنیم نویسنده و یا شاعر صرف می‌نویسد و با قراردادی با ناشر، متباقی کارها را دست او می‌گذارد و از درآمدش زندگی می‌کند، ولی در افغانستان شاعر و نویسنده حتا حق تالیف از ناشر اخذ نمی‌کند و اکثریت با پول شخصی خود کتاب را به دست نشر می‌سپارد.

۸صبح: در اخیر پیام‌تان به دیگر زنان شاعر چیست؟

زلاله زلال: پیامم برای همه عزیزان شاعر این است که در هر قالب شعری که دوست دارند شعر بسرایند، بسرایند و بسرایند، ولی همه قالب‌ها را تجربه کنند، چون از دید من تجربه است که انسان را در انتخاب کمک و در رسیدن به هدف و به‌خصوص پیدا کردن راهی به سمت شخص خودش، یعنی شناخت شاعر از شخصیت خودش اصل مهم و ارزنده کار او است هر شاعر باید خودش را در نخست دریابد و بعد آمیزش او با محیط و ماحول شعرش را شکل می‌دهد و همین تجربه است که ما را کمک می‌کند تا به پختگی برسیم و با عقاید و باورهای که داریم بسراییم.

۸صبح: قالب شعر پریسکه که شما از آن پیروی می‌کنید چگونه قالبی است؟ هم‌چنان شعر پریسکه در کجا و توسط چی کسی مطرح شده است؟

زلاله زلال: پریسکه قالب شعری جدید در زبان فارسی است، قالب شعر پریسکه برای اولین بار در سال ۱۳۹۱ در ایران به وسیله علی‌رضا بهری مطرح شده است.

معنای «پریسکه» جرقه آتش است، در افغانستان این سبک کاملاً نوپا است.

۸صبح: در قالب پریسکه شاعر ملزم به رعایت کدام نکات می‌باشد؟

زلاله زلال: شعر پریسکه نوعی شعر کوتاه است، ولی با ساختار متفاوت و قواعد و قاعده خاص خودش، «پریسکه» می‌تواند در دو، سه و چهار فصل یا مصراع سروده شود و حتا شاعر می‌تواند در یک بند شعر را آغاز و ختم کند، به طور مثال:

عشق نه زنبور عسل بود نه پروانه افسون، موریانه‌ها دهن بسته مرا می‌خورند و یا

به جرم صداقت دستگیر روزگار شدم

۸صبح: آیا در کشور ما زنان می‌توانند بدون هیچ نوع قید و بندی شعر بسرایند به خصوص اگر محتوای آن عاشقانه باشد؟

زلاله زلال: به نظر من برای یک زن شجاع و مبارز و زنی که واقعا پی هدفش باشد، صداقانه هیچ ترس و هیچ محدودیتی در کار نیست، البته تنها افغانستان نه بلکه زنان در سراسر جهان مشکلات اجتماعی و جنسیتی خود را دارند و اما در طول تاریخ زنان موفق می‌سراییم.



آشنا، تنها راه‌یافتن به دنیا اسرارآمیز شعر و تخیل می‌باشد.

قسمی که به همه معلوم است شعر احساسات و هیجانات درونی انسان‌ها است و از آن جایی که انسان‌ها حس زیبایی‌پسند دارند و این زیبایی در هر قالب و پدیده که نقش ببندد زیبا و قابل ستایش است و شعر همانند نقاشی و موسیقی و امثال این‌ها به نگرش درونی تعلق گرفته و من هم‌چنان سال‌ها است در دنیای درونی‌ام زیسته و با واژه‌ها انس گرفته‌ام و زیبایی کلام را در شعر می‌سرایم.

۳۲ قطعه شعر سپید و **۹۰** شعر پریسکه می‌باشد که در بهار سال **۱۳۹۵** به دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.

۸صبح: بیشتر اشعار این کتاب روی کدام موضوعات می‌چرخد؟

زلاله زلال: محتویات شعرها واضح است که موضوعات اجتماعی و فرهنگی یک جامعه را در بر می‌گیرد و شرح حال شاعر را.

۸صبح: در کدام حالات و کدام لحظات حس شعر سرایید در شما پدید می‌آید؟

زلاله زلال: غم و خوشی دو دلیل برای سرودن شعر و واژه‌پردازی است، این دو حس

تیاتر هرات هم چنان بی‌خانه است

فرهاد حقیر



خانواده‌ها زیاد می‌آمدند، حتا گاهی در سالون جای نبود. او خاطره‌اش از روز تخریب ساختمان تیاتر را این گونه بیان کرد: «به‌خدا فکر می‌کردم خانه خودم خراب شد. در همان جا بزرگ شدیم، درس خواندیم و روزهای خوش و تلخ زیادی داشتیم. خاطره بدی که هرگز فراموش نمی‌شود این بود که به یک دست وسایل ما بود و طرف دیگر می‌دیدم که هی بلدوزر خانه ما را تخریب می‌کرد.»

غلامی در ادامه از دولت‌مردان می‌خواهد تا هم‌مانند پرنده‌ها برای‌شان یک آشیانه چوبی یا گلی آماده سازند تا سرپناه‌شان بوده و مکانی باشد تا این هنر را زنده نگاهداشته و برای علاقه‌مندان و جوانانی که به این هنر علاقه دارند خدمت کنند. محمدیعقوب امینی بازیگر دیگری است که سال‌های زیادی در تیاتر هرات فعالیت کرده است. او وضعیت تیاتر هرات را خراب توصیف کرده و می‌گوید: «از مسوولان می‌خواهیم به‌فکر یک تیاتر معیاری در هرات باشیم. چون اولین بار تیاتر در هرات ایجاد شد و سه‌سال بعد در کابل و سایر ولایت‌ها. ما مشکلات اقتصادی داریم و در کنار آن تا حالا حمایتی نشده‌ایم. یک سالونی داشتیم که ۹۰ سال پیش ساخته شده بود که او را هم تخریب کردند. نزدیک به دو سال می‌شود که بی‌سروشست و بی‌خانه هستیم.»

عمل انجام‌شده

از هنرمندان تیاتر و سرپرست ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات این پرسش را مطرح کردم که آیا پیش از تخریب، شهرداری شما را در جریان گذاشته بود؟ پاسخ مشخصی دریافت نکردم و تنها عبارتی که در میان‌شان مشترک یافتیم، «عمل انجام‌شده» بود. وحیدالله سلطانی سرپرست ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات با اظهار تأسف گفت: «مکتوب عمومی و خبری بود. همه به‌عنوان شهروند از تطبیق ماستریپلان شهری راضی و خرسند استیم. اما در مرحله عمل انجام‌شده قرار گرفتیم و در همان لحظات اندکی سهل‌انگاری از سوی پرسونل شهرداری صورت گرفت و تخریب شد. اگر قبل از تخریب، سالونی دیگر برای آن‌ها آماده می‌شد، بهتر بود.» سلطانی از شهرداری هرات خواهان ایستادگی روی وعده‌هایش و هم‌چنان خواهان همکاری برای ساخت سالون جدید برای تیاتر هرات شد و می‌گوید با ساخت سالون جدید شهرداری هرات می‌تواند به‌نوعی جبران آن رخداد را کند. سلطانی می‌گوید «خوشحنتانه ریاست اطلاعات و فرهنگ و وزارت، به دنبال این مساله شد و تلاش‌هایی داشتن و دارد تا بتواند یک بودجه برای ساخت سالون تیاتر در نظر بگیرد. نقشه و بعضی فعالیت‌های مقدماتی آن تاحدی پیش رفته و امکان دارد در آینده‌ها با وعده‌های که مراجع مربوطه دادند یک سالون معیاری ساخته شود.» سل ۱۳۰۱ بود که تیاتر در افغانستان ایجاد شد، آن هم در ولایت هرات و پس از آن این هنر در سایر ولایت‌ها رایج شد. از آن‌زمان تیاتر هرات هم‌مانند تغییرات شرایط سیاسی و اجتماعی افغانستان حال و روزهای گوناگونی را تجربه کرده است. با وجود گذشت نزدیک به یک سال و وعده‌هایی که شهرداری برای ساخت ساختمان تیاتر داده، اما تیاتری‌های هرات بی‌ساختمان، هنوز سرگردان‌اند.

کند و آن‌ها می‌وسانه دوباره به کابل رفتند. کمبود بودجه، عدم حضور بازیگران زن، نداشتن جای برای تمرین، نبود پرسونل کافی و کم‌توجهی دولت مواردی‌اند که هنرمندان تیاتر هرات را نگران ساخته است. با وجود سابقه ۹۴ ساله، تا حال تیاتر هرات بازیگر زن را به صورت رسمی در خود ندیده است. خانواده تیاتر هرات اکنون متشکل از ۹ نفر است و جای مناسبی برای تمرین ندارند. آن‌ها تمرینات‌شان را در دفتر کاری‌شان که در ساختمان ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات قرار دارد، انجام می‌دهند. مدیر عمومی تیاتر هرات می‌گوید بسیاری از روزها در جریان تمرینات سروصدای‌شان وقتی بلند می‌شود سبب مزاحمت به دیگر دفترها شده و آن‌ها نمی‌توانند به صورت درست تمرین کنند. تنها بودجه تیاتر هرات معاشات کارمندان این اداره است و به گفته مدیر این اداره، تا اکنون برای اجرای نمایش‌ها برایشان کمکی از سوی دولت نشده است. معاش مدیر عمومی تیاتر در حدود ۱۰ هزار افغانی و از سایر هنرمندان که شماری از آن‌ها تجربه بالاتر از ۱۵ سال را دارند، در حدود پنج تا پنج هزار و سه‌صد افغانی می‌باشد. یکی از هنرمندان تیاتر کابل می‌گوید: «وقتی هرات را با کابل مقایسه کنیم، می‌بینیم که در تشکیلات تیاتر کابل ۷۰ تا ۶۰۰ نفر. این خود نشان‌دهنده بی‌توجهی به تیاتر هرات است.»

تا اکنون تیاتر هرات بیش از ۶۰۰ نمایش را اجرا کرده که اکثریت آن‌ها به‌گونه زنده بوده است. در کنار این، برگزاری چندین ورکشاپ و فستیوالی به نام صلح و هم‌دلی از دست‌آوردهای دیگر تیاتر هرات می‌باشد. محتوای نمایش‌های آن‌ها را مسایلی چون صلح و هم‌دلی، مبارزه با مواد مخدر، مسایل خشونت علیه زنان و سایر نمایش‌هایی که بیشتر جنبه اصلاحی و انتقادی دارند، تشکیل می‌دهد. فریدون فکوری می‌گوید در زمانی که سالون تیاتر تخریب نشده بود، برای بیش از صد جوان کارگاه آموزشی برگزار می‌شد و پس از تخریب سالون، بیشتر آن جوانان مجبور به ترک کشور شدند. فکوری گفت: «وضعیت نا به‌هنجار خود را با رسانه‌ها و مسوولان شریک ساختم. متأسفانه کار به جایی نرسیده اما امیدوار دولت یک هیات را روان کند تا از جریان تخریب تیاتر و هم‌چنان بعد از آن که مشکلات دیگری به وجود آمد آن‌ها را ارزیابی کند. سالون تیاتر جای خاطرات هنرمندان بود. جای و مکتبی برای اصلاح جامعه و مکانی بود که ما بیشترین دستاوردها را داشتیم.»

در آرزوی یک آشیانه

۱۶ حمل سال ۱۳۹۳ روزی بود که پس از نزدیک به چهاردهه خاموشی، تیاتر هرات دوباره زنده شد. در اوایل هرچند باشندگان هرات علاقه‌ی زیادی نشان نمی‌دادند اما رفته‌رفته بازیگران تیاتر با اجرای نمایش‌های زنده و کاملاً رایگان توجه باشندگان و به ویژه خانواده‌ها را جلب کردند. غلام‌سخی غلامی، فردی که از سال ۱۳۷۲ در تیاتر هرات کار می‌کند، می‌گوید: «سه‌سال پیش تیاتر خاموش بود و ما با اجرای نمایش‌های زنده آن را دوباره رشد دادیم. توجه از طرف دولت به‌صورت زیاد نبود. مردم علاقه‌مند شدند و

تا نمایش‌ها و فلم‌های‌شان را در معرض دید قرار دهند. فریدون فکوری مدیر عمومی تیاتر هرات، عمل‌کرد شهرداری هرات را یک کار غیرقانونی دانسته و می‌گوید: «متأسفانه در دوره جهل طالبانی ما سینما را از دست دادیم. با کمال تأسف در ۱۱ عقرب ۱۳۹۴ بدون این‌که کار شهردار هرات یک کار قانونی باشد و به ما مکتوبی برسد، ساختمان تیاتر با بلدوزهای شهرداری به بهانه توسعه شهری کاملاً از بین رفت و هنوز از احیای مجدد تیاتر هرات چیزی نگذشته بود که ویرانش کردند.» فکوری مدعی است که طبق مستند در دست‌داشته‌شان، شهرداری هرات به‌گونه عجولانه، غیرقانونی، خلاف پروسیجر اداری، با تخریب ساختمان تیاتر عمل فرهنگ‌ستیزانه و ظالمانه را در حق خانواده تیاتر و فرهنگ هرات انجام داده و دست‌هایی برای تخریب هنر در افغانستان تا هنوز هم وجود دارند. به گفته هنرمندان تیاتر، قرار بوده تا قسمتی از ساختمان تیاتر بنا بر توسعه ماستر پلان شهری تخریب ولی خود سالون آن تخریب نشود. آن‌ها ادعا دارند که شهردار هرات برایشان وعده داده بود سالون تیاتر را تخریب نخواهد کرد، اما فردای آن روز تمام ساختمان به شمول سالون تیاتر به خاک یک‌سان شد. مدیر عمومی تیاتر هرات ادعا دارد اختطاری شفاف از آدرس شهرداری در شیبی که قرار بوده فردا ساختمان تخریب شود، برای‌شان داده شده بود. فریدون فکوری در این مورد می‌گوید: «یک روز قبل از آن با شهردار ملاقات کردیم. گفتیم که ما با عقب‌نشینی یک قسمت آن موافق هستیم و اما سالون نباید تخریب شود. امیدوار بودیم که شهردار خلاف گفته‌هایش عمل نکند. فردای آن‌روز وضعیت قسمی بود که حتا اجازه ندادند که تابلوی تیاتر را پایین کنیم. متأسفانه همه چیز از بین رفت. صدای خود را کشیدیم، دادخواهی کردیم اما سودی نداشت. از نگاه قانون، شهردار پیش ما مسوول است و باید برای ما پاسخ‌گویی کند.» فکوری مدعی است که تمام وسایل تیاتر هرات در جریان تخریب از بین رفته و برایشان اجازه ندادند تا آن‌ها را بیرون کنند. او هم‌چنان ادعا دارد که اگر خودشان هم ایستادگی می‌کردند شاید مثل وسایل دیگر زیر خاک می‌شدند. فکوری در ادامه به کارهای پس از تخریب اشاره کرده گفت: «اگر روزی به نام هنر باشد باز شهردار دروغ می‌گوید و شعار می‌دهد ما می‌خواهیم سالون جور کنیم. از سوی شهرداری گفته شد قرار است سالونی ساخته شود. من به شهردار گفتم که این موضوع مسلکی است و باید از مرکز افراد متخصص خواسته شود. چهار نفر مسلکی از مرکز به هرات آمد. از شهردار وقت گرفتیم و متأسفانه بازهم شانه خالی کرد و حاضر نشد با دوست‌های ما که از کابل آمده بودند ملاقات

گروهی از باشندگان برای نظاره آمده‌اند. چند خبرنگار کامره‌های عکاسی به دست دارند. دختری با لباس سیاه و چادری آبی‌رنگ در حالی که موهایش اندکی نمایان است لوح تقدیری را با شدت تمام به زمین می‌کوبد. مردم همه ایستاده‌اند و شماری با دیدن وضعیت دختر، ناراحت به نظر می‌رسند و اندکی دیگر پوزخند می‌زنند. فریادهای آن دختر توأم با صدای اسکواتور شنیده می‌شود. آن سوی دیگر کنار دیوار سفیدرنگ، چند مقام از اداره شهرداری بالای صندلی‌ای نشسته و فریادهای دختری را می‌شنوند که می‌گوید: «وقتی بجهت پیش چشم‌هایت جان می‌دهد و وقتی جگر گوشه‌ات از دست می‌رود.»

ناگهان آن دختر درحالی که اشک می‌ریزد دست معاون شهرداری هرات را می‌گیرد و ناله کنان خودش را به پاهای او انداخته و درخواست می‌کند تا اجازه ندهد ساختمان سالون تیاتر هرات ویران شود. دقیقاً یازدهم عقرب سال ۱۳۹۴ این رویداد رخ داد و سالون تیاتر هرات به‌دلیل آن که در مسیر توسعه ماستریپلان شهری این ولایت قرار گرفته بود، توسط شهرداری هرات تخریب شد و تا امروز هنرمندان تیاتر هرات را بی‌خانه ساخت و آن‌دختر هم بازیگر تیاتر بود و به‌دلیل ویران‌شدن سالون تیاتر ناله می‌کرد.

هنرمندان و سینماگران در هرات پس از این رویداد بارها اعتراض کردند و از حکومت وحدت ملی خواستار یک سالون معیاری شدند اما به نظر می‌رسد تا به حال این خواسته آنان با آن‌که به گوش مسوولان حکومتی رسیده اما راه‌گشای حل مشکل‌شان نبوده است. مسوولان ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات نیز در آن زمان تأکید کردند که قرار است در آینده یک سالون معیاری به کمک دولت و تجاران ملی ساخته شود اما تا امروز خبری از آن نیست و اعضای تیاتر هرات در یک اتاق، تمرینات‌شان را انجام می‌دهند. مطابق گزارش‌های به نشر رسیده، آریا رووفیان رییس اطلاعات فرهنگ هرات این عمل شهرداری هرات را خلاف قانون و عمل‌کردی بدون هماهنگی با اداره آن‌ها خوانده بود و بنا بر ادعای آقای رووفیان، توافق بین اداره شهرداری هرات و ریاست اطلاعات فرهنگ این ولایت صورت گرفته و قرار بوده تا قسمتی از ساختمان تیاتر هرات تخریب و سالون آن ویران نشود، اما شهرداری هرات خلاف توافق، تمام ساختمان را به شمول سالون تیاتر ویران کرده است.

ن گفته‌ها

هنر تیاتر و سینما در هرات، تاریخ پر فرازونشینی داشته است. به گفته مسوولان تیاتر هرات، حتا زمانی در ولسوالی شیندند سالونی برای هنرمندان هرات در نظر گرفته شده بود

اعلان داوطلبی

اعمار مکاتب

(NRC SO 17002)

دفتر هیئت ناروی برای مهاجرین اعمار چهار باب مکتب را به مناقصه گذاشته و از تمام شرکت‌ها و کمپنی‌های مربوطه دعوت به عمل می‌آورد تا اسناد مناقصه را از دفاتر آن ار سی در کابل و ننگرهار بدست بیاورند.

پروژه مورد ضرورت	تعداد	محل اعمار	موعد تسلیمی اسناد
اعمار مکاتب	۴	ولایت ننگرهار	۲۴ جنوری ۲۰۱۷

محورهای ضروری برای داوطلبان

شرکت‌ها و کمپنی‌های محترم باید تجارب قبلی ساختمان و اعمار مکاتب را با دفاتر دولتی و غیر دولتی، موسسات بین‌المللی و نمایندگی‌های ملل متحد داشته باشند.

اخذ اسناد مناقصه

درخواست‌کننده‌گان محترم می‌توانند تا اسناد مناقصه را از دفاتر هیئت ناروی برای مهاجرین (NRC) مقیم در کابل و ننگرهار در روزهای یکشنبه الی پنجشنبه از ساعت ۸ صبح الی ۴ بعد از ظهر بدست بیاورند. ادرس دفاتر قرار ذیل می‌باشد.

دفتر هیئت ناروی برای مهاجرین (NRC) در کابل

ناحیه چهارم، کلوله پشته، کوچه تلویزیون خورشید

شماره تماس: ۰۷۰۰ ۲۲۸ ۵۰۹

دفتر هیئت ناروی برای مهاجرین (NRC) در جلال اباد

فاز ۴، سرک سابقه سارنوالی، خانه نمبر ۳

شماره تماس: ۰۷۰۶ ۲۶۴ ۵۶۲

بعد از دریافت اسناد مناقصه افرهای خویش را باید در پاکت‌های سربسته پیش از ختم وقت داده شده الی ساعت ۴ بجبهه روز سه‌شنبه ۲۴ جنوری سال جاری به دفاتر متذکره هیئت ناروی برای مهاجرین تسلیم نمایید.

دفتر هیئت ناروی برای مهاجرین (NRC) حق رد و انتخاب هر درخواست را بطور قسمی و کلی در حالت لزوم دید بدون کدام شرح بیشتر دارا می‌باشد و هیچ نوع شکایت در این مورد پذیرفتنی نیست.

ویراستاران:
خبرنگاران:
هماهنگی خبر:
صفحه آرایی:
ویسایت:
پذیرش اعلان:
نشانی پستی:
نشانی دفتر کابل:
ایمیل روزنامه:
۸ صبح در ویرایش و پیرایش مطالب وارد دست باز دارد.
به جز سرمقاله، آرای مطرح شده در مقالات به نویسندگان آن برمی‌گردد.

نورالعین و بهروز خاوری
وحید پیمان، سهیلا وداع خوش، مریم حسینی، زینب فرهمند
ظفر شاه رویی ۰۷۹۹۳۱۹۵۳۴
خبیر رحیمی - مصطفی سروری - مهدی فرهاد - غلامرضا مجیدی
احمدضیا محمدی
۰۷۰۸۱۴۴۰۴۷
صندوق پستی ۱۹۱۱، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
ایستگاه برج برق، کوچه کلوله پشته، ناحیه چهارم، کابل
Afghanistan_8am@yahoo.com
۰۷۰۰۲۲۸۹۸۸
۰۷۶۶۶۴۴۶۶۴
فریدون آژند ۰۷۹۷۴۱۶۰۶۲
شایان فریور ۰۷۰۰۷۰۹۰۹۸
shayanfa@gmail.com

www.8am.af

www.facebook.com/8am.af

Twitter:@HashteSubhDaily

صبح

ساحب امتیاز:
مدیر مسوول:
معاون مدیر مسوول:
تحلیگر ارشد:
دبیر بخش سیاسی:
دبیر بخش ادب و فرهنگ:

Publisher:
Sanjar Sohail
sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Parwiz Kawa
parwiz_kawa@yahoo.com
+93 700228988

بشار اسد: بمباران حلب قابل توجیه بود



بر اساس برآورد گروه ناظر بر حقوق بشر سوریه در بریتانیا مستقر است حدود ۲۱ هزار و پنجصد نفر از غیرنظامیان از ۵ سال پیش که جنگ آغاز شد در حلب کشته شده‌اند. رییس‌جمهور سوریه در ادامه اظهارات خود که در سانا، خبرگزاری رسمی سوریه، منتشر شده است گفت که مشاهده نابودی حلب و کشته شدن غیرنظامیان «برای ما سوری‌ها دردناک» است. او در ادامه گفت که «هر جنگی بد است اما آیا بهتر است که غیرنظامیان را تحت نظارت و سرکوب شورشیان رها کنیم تا کشته شوند و سرشان از بدنشان جدا شود؟» در اواخر ماه دسامبر با خروج آخرین گروه از شبه‌نظامیان مخالف از شرق حلب، ارتش سوریه سرانجام پس از چهار سال کنترل کامل این شهر را در اختیار گرفت. شرق حلب در ماه‌های اخیر تحت محاصره نیروهای وفادار به بشار اسد، صحنه شدیدترین درگیری‌ها و زیر بمباران هوایی و آتش توپخانه بود. هم در شرق حلب، که در کنترل شورشیان بود، و هم در غرب این شهر، که نیروهای دولتی کنترلش را در اختیار داشتند، تعداد زیادی غیرنظامی در درگیری‌ها کشته شدند.

بشار اسد، رییس‌جمهور سوریه، گفته است بمباران هوایی شرق حلب توجیه پذیر بوده است. به نقل از بی‌بی‌سی، او در گفتگو با رسانه‌های فرانسوی گفته است: «این بهایی است که گاهی اوقات باید پردازید؛ اما در نهایت مردم از اسارت تروریست‌ها آزاد شدند.» سازمان ملل متحد می‌گوید حملات هوایی نیروهای دولتی سوریه به مناطقی با شمار زیادی جمعیت غیرنظامی، در مراحل پایانی عملیات بازپس‌گیری حلب احتمالاً «جنایت جنگی» محسوب می‌شود. روسیه از سپتامبر ۲۰۱۵ حملات هوایی در سوریه و در حمایت دولت آقای اسد را شروع کرد در حالی که ترکیه از مخالفان حمایت کرده است. در هفته‌های اخیر، ابتدا توافق آتش‌بسی میان دولت‌های روسیه و ترکیه امضا شد و سپس دولت بشار اسد با تعدادی از گروه‌های شورشی برای آتش‌بس به توافق رسید. ایران، روسیه و ترکیه اکنون برای از سرگیری مذاکرات صلح به منظور پایان دادن به مناقشه سوریه تلاش می‌کنند. این مذاکرات قرار است در ماه جاری در آستانه، پایتخت قزاقستان برگزار شود.

ایران: مذاکرات حل بحران سوریه به دمشق منتقل شود



راه‌حل‌های سیاسی تاکید کرده و در عین حال پایان دوره ریاست‌جمهوری بشار اسد را «خط قرمز» ایران خوانده‌اند. ایران پیش از توافق اتمی وین به گفتگوهایی که از سوی قدرت‌های غربی برای حل بحران سوریه برگزار می‌شد، دعوت نمی‌شد و پس از این توافق در تعدادی از این نشست‌ها حضور داشته است. نمایندگان ایران، ترکیه و روسیه که ماه گذشته نشستی در مسکو برگزار کردند قرار است به زودی در نشست دیگری در آستانه، پایتخت قزاقستان، درباره آینده سوریه به گفتگو بنشینند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در دیدار با بشار اسد خواستار آن شد که مذاکرات سیاسی برای حل بحران سوریه به دمشق که به گفته او «پایتخت سوریه متحد و یکپارچه» است، منتقل شود. به نقل از رادیو فردا، علی شمخانی در دیدار با رییس‌جمهور سوریه گفته که مذاکرات سیاسی برای حل بحران سوریه «باید میان سوری‌ها و با مدیریت آنها انجام شود و سازمان ملل و کشورهای موثر در این عرصه صرفاً باید نقش تسهیل‌کننده داشته باشند.» او تاکید کرد که «همه باید تلاش کنند تا مذاکرات سیاسی به دمشق به عنوان پایتخت سوریه متحد و یکپارچه منتقل شود.» دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران هم‌چنین گفته که اگر گروه‌های مسلح مخالف بشار اسد، احساس کنند کشورهای حامی آن‌ها در مذاکرات سیاسی جدی نیستند به طور قطع از مسیر جنگ و خونریزی باز نخواهند گشت. آقای شمخانی تاکید کرد که برخی کشورها «راهنمای غیرسازنده» درباره سوریه را تغییر داده و «توانستند اشتباهات گذشته را تا حدودی جبران کنند» اما کشورهایی که «بر تداوم رفتارهای غلط خود تاکید می‌ورزند با مشکلات و خسارت‌های غیرقابل‌جبرانی مواجه خواهند شد.» مقام‌های ایرانی پیش از این بر حل بحران سوریه از طریق

ترامپ نقش روسیه در حملات سایبری را پذیرفت



دونالد ترامپ، رییس‌جمهور منتخب آمریکا، گزارش سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده مبنی بر دخالت سایبری روسیه در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر آمریکا را پذیرفت و گفت که ممکن است اقدامی در پاسخ به این حملات مسکو انجام دهد. به نقل از رادیو فردا و به گزارش خبرگزاری رویترز، این اظهارات را راینس پرینس، گزینه انتخاباتی رییس‌جمهور منتخب آمریکا برای ریاست ستاد کارکنان کاخ سفید بیان کرده است. آن‌طور که آقای پرینس گفته ترامپ به این باور رسیده که روسیه پشت حملات سایبری علیه نهادهای حزب دموکرات آمریکا قرار دارد. بر اساس این گزارش، با این حال پرینس به این موضوع اشاره نکرده که آیا ترامپ پذیرفته که این حملات سایبری به دستور مستقیم ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه انجام شده‌اند یا نه. وی به فاکس نیوز گفته که رییس‌جمهور منتخب آمریکا این «حقیقت را پذیرفته که این مورد مشکلی وجود ندارد.» این برای نخستین‌بار است که یک عضو ارشد تیم رییس‌جمهور منتخب جمهوری‌خواه آمریکا اعلام می‌کند که ترامپ نقش روسیه در حملات سایبری علیه حزب دموکرات آمریکا هنگام تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری و افشاکری‌های متعاقب آن درباره ایمیل‌های این حزب را پذیرفته است.

سردی هوا فاجعه تازه برای پناهجویان در یونان



که در این هنگام درجه حرارت هوا به منفی ۲۰ درجه سانتیگراد رسیده بود. پولیس فدرال آلمان در این خصوص گفت: «پس از ساعت‌ها راندگی این قاچاقچران بی‌اعتنایی تمام، اتوبوس را خود که حامل این پناهجویان بود، در هوای سرد رها کرده و خودش ناپدید شد.» پولیس هم‌چنان گفته است که یافته‌های آنان نشان می‌دهد، قاچاقچران از این افراد در میان ۵۰۰ تا ۸۰۰ یورو اخذ نموده بود. این راننده هنگامی پناهجویان را در هوای سرد رها کرد و پا به فرار نهاد که ماشین این واسطه نقلیه با عوارض تخنیکی روبرو شده بود. به گفته پولیس آنان تا حال هیچ نشانه‌ای از رد پای قاچاقچران فراری را نیافته‌اند. بخش‌های مختلف اروپا در معرض جدی خطر سردی آب و هوا، و ریزش برف سنگین قرار گرفته است. این چالش سبب شده تا شماری از باشندگان، جان‌های خود را نیز از دست بدهند. گزارش‌ها می‌رساند که در پلند ۹ تن و در چک سه تن جان باخته‌اند. از سوی هم شمار قربانیان ناشی از هوای سرد در هنگری به دو تن رسیده است. بیشتر این قربانیان افراد بی‌سرنه بوده‌اند. در بخش‌های یونان حتی درجه سردی هوا به منفی ۱۷ درجه رسیده که منتج به قطع شدن برق، مسدود شدن جاده‌ها و در شماری از محلات مکاتب نیز در روز دوشنبه تعطیل شده‌اند. رسانه‌های یونانی گزارش داده‌اند که یک مرد به دلیل سرمازدگی و یک خانم در نتیجه استنشاق گاز کاربن مونو اکساید هنگام گرم کردن منزل با ذغال سنگ، جان باخته‌اند.

سردی آب و هوا افزون بر آشفتنگی وضعیت مسافران، چالش عمده‌ای برای پناهجویان شده است. این مشکل خطری است که جان هزاران آواره بی‌سرنه را در یونان تهدید می‌کند. جزیره خیوس مانند بخش‌های دیگر یونان در معرض سردی کم پیشینه هوا قرار دارد. یکی از اردوگاه‌های پناهجویان که موسوم به سودا در این جزیره است، وضعیت آن با گذشت هر روز به ویژه سردی روز افزون هوا، به وخامت بیشتری می‌گراید. به نقل از دوپچه‌وله، جینی کالیپوسی، یکی از باشندگان این منطقه در گفتگو با خبرگزاری آلمان گفت: «حملات بود و باش پناهجویان چندی می‌شود که بیش از حد مزدحم شده و کسانی که هیچ جای بود و باش ندارند در همان خیمه‌های تابستانی بدون برق و بخاری زندگی می‌کنند.» از سوی هم گزارش‌ها می‌رساند که جزیره لیزبوس نیز به این سرنوشت دچار بوده و آوارگان در آنجا بدون دسترسی به آب کافی و برق، شب و روز می‌گذرانند.» در حال حاضر حدود ۱۵ هزار پناهجو در این جزیره در حال انتظار به سر می‌برند تا مبتنی بر توافقات انجام شده میان ترکیه و اتحادیه اروپا، به ترکیه دوباره فرستاده شوند. انقره و اتحادیه اروپا در ماه مارچ سال گذشته به توافق رسیدند که در بدل همکاری‌های مالی به ترکیه، این کشور همه مهاجرین وارد شده به اروپا از سواحل ترکیه را، دوباره بپذیرد. در همین حال، یک قاچاقچران گروه ۱۹ نفری پناهجویان را در شاهراهی در آلمان رها کرد. گفته می‌شود